

دولت جدید از مجلس رأی اعتماد گرفت حالا هنگام عمل است

چهره‌های رنگارنگ ضد انقلاب را بشناسیم و با آن مبارزه کنیم

هموطنان! اعضاء و هواداران حزب توده ایران! توطئه‌های تبلیغاتی ضدانقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران را نزد توده‌ها افشاء کنید

امپریالیسم زخم‌خورده آمریکا و عمال داخلی آن برای مبارزه علیه انقلاب ضد امپریالیسم و خلقی ما، با گستاخی تمام به میدان آمدند و همه شکل‌های ممکن برای تضییع و تلافی انقلاب ایران را به کار می‌برند. یکی از خطرناکترین جبهه‌های که توسط دشمنان انقلاب ایران گشوده شده است، جبهه تبلیغات ضد جمهوری اسلامی، زیر پوشش گروه‌های به اصطلاح مبارز ملی‌گراست که جو ایران نباشد (یا در حقیقت نفت ایران نباشد) تن آن‌ها میاد (که میاد) سرگردگان این جبهه بطور شبانه‌روزی به فعالیت اشتغال دارند و روزانه ده‌ها نوع اعلامیه رنگارنگ علیه انقلاب و جمهوری ایران گشوده شده است. **بقیه در صفحه ۸**

گفت که، بقول معروف، «هر چیز در جای خود قرار گرفته» می‌بایست مرحله جدیدی از سازندگی، سازندگی جامعه‌ای مستقل و آزاد، برخوردار از مواهب زندگی انسانی و مناعت‌سوی بلندی بشری - آنچه‌آنکه شایسته انقلاب بزرگ ما و هدف ده‌ها هزار شهید بود - آغاز شود. در آغاز این مرحله جدید، ما پیش از هر چیز به هم‌رانی و همدستانی در نبرد عظیم ضد - امپریالیستی، منظور خنثی کردن توطئه‌های مکرر و مرتب ضد - انقلاب، به همکاری و هم‌قدمی برای تحکیم جمهوری اسلامی ایران و ریشه کن کردن بساط ظلم، فساد و بهره‌کشی، به هم‌فکری و هیپاری برای پیداکردن

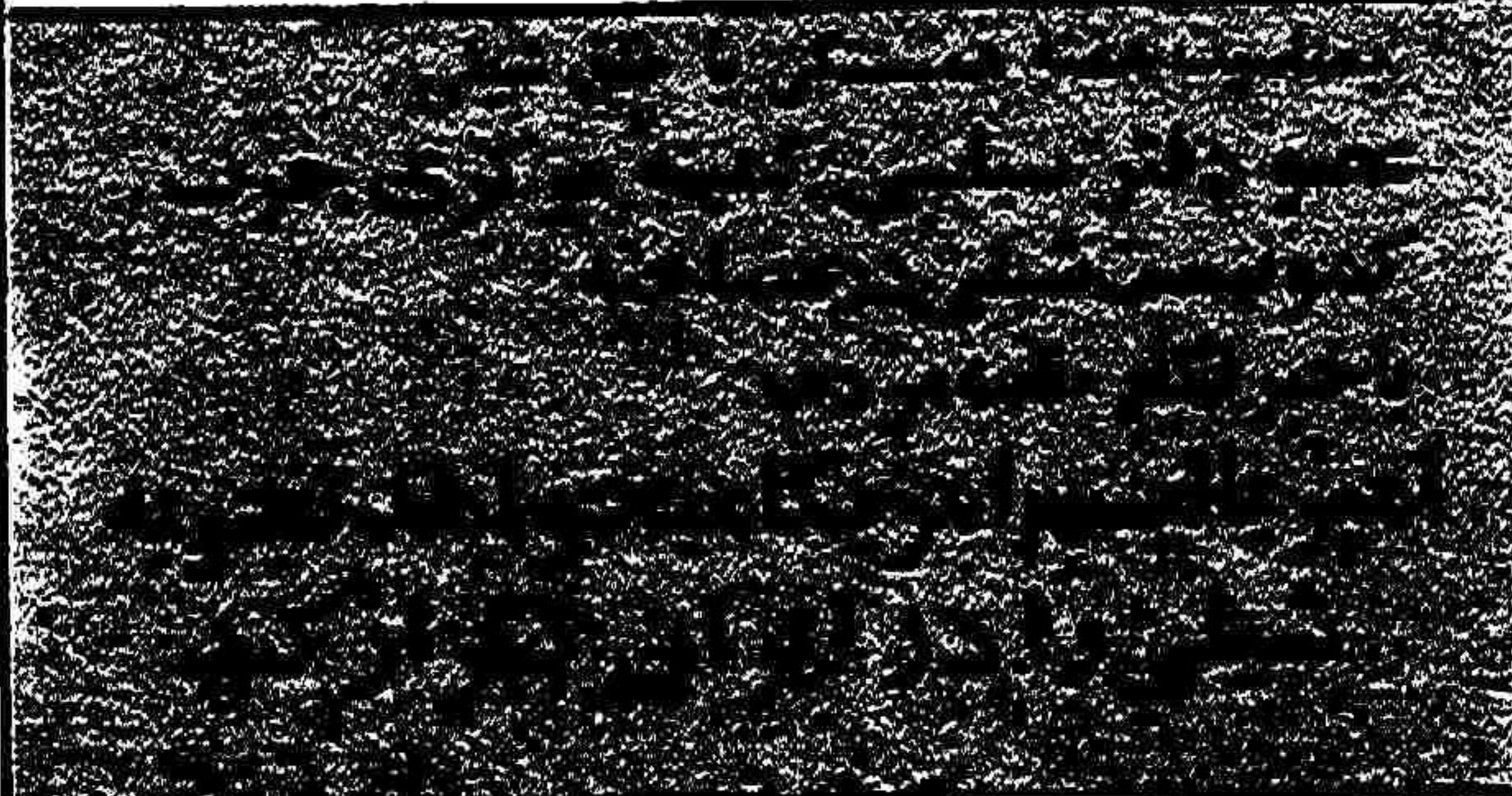
بحث‌های موافق و مخالف پیرامون دولت جدید به ریاست آقای رجایی و برنامه آن، در جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی پایان یافت و ۱۶۹ نفر از نمایندگان حاضر، با رأی موافق خویش تشکیل نخستین دولت رسمی جمهوری اسلامی ایران را - اگرچه هنوز چندین وزیر معرفی نشده‌اند - تسجیل کردند. تنها ۱۴ نماینده رأی مخالف دادند و ده نفر هم ممتنع بودند. باین ترتیب آخرین گام در راه ایجاد نهادهای جمهوری اسلامی ایران، بر طبق قانون اساسی، برداشته شد. اینک دیگر میتوان



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۳۰
پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۵۹، ۱۵:۱۵ ریال

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران:
حزب توده ایران در مراسم بزرگداشت مجاهد نستوه، فقید سعید، آیت الله طالقانی شرکت می‌کند

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران از کلیه اعضاء، هواداران و دوستان حزب دعوت میکند که در مراسم که برای بزرگداشت مجاهد نستوه، فقید سعید آیت الله طالقانی، در ساعت ۴ بعد از ظهر پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۵۹، به دعوت ستاد برگزارکننده مراسم، در پیش‌تازها برگزار میشود شرکت جویند و خاطره آن بزرگمرد را گرامی دارند. **دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۶/۱۹**



حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها:
امریکاگر و گانها را بهانه کرده تا سلطه سابقش را بر ایران برقرار کند

صفحه ۸

سخنان سفیر سابق امریکا در ایران باز هم ثابت می‌کند: «گروگانها» بهانه‌اند، امریکا ایران را میخواهد!

*** به اعتراف سولیوان، یک سال قبل از اشغال لانه جاسوسی، درحالیکه نه تنها فکر «گروگان گیری» مطرح نبود، بلکه محافل معینی لانه جاسوسی را نجات می‌دادند، امپریالیسم امریکا در فکر کودتای نظامی در ایران بود.**

«امریکا از سیاست پیشین خود در ایران دست برداشته است. امریکا میخواهد با ایران روابط عدلی و دوستانه داشته باشد آنچه مانع این روابط است، تنها مسأله گروگانهاست. اگر گروگانها آزاد شوند، امریکا به ایران حمله نظامی عدلی و دوستانه داشته باشد آنچه

یاسر عرفات:
ما به مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی ارجح می‌نیمیم

مسائل سیاسی را با زور نمی‌شود حل کرد
صفحه ۷

دستاوردهای جنبش کارگری ایران، یکسال ونیم پس از پیروزی انقلاب

امریکا و سرمایه‌داران آزمد وابسته بشمار میرفت. همه طبقات و اقشار مولد ثروت جامعه در معرض چنین استثمار و حسیانه دوگانه‌ای قرار داشتند. اما طبقه کارگر، پیشانی کلیه طبقات و اقشار، در معرض استثمار دوگانه امپریالیسم و سرمایه‌های داخلی وابسته به آن قرار داشت. استثمار که بوحسیانه‌ترین شکل و با استفاده از همه روشهای «مجاز» و غیرمجاز صورت می‌گرفت.

هدهد قرن تسلط رژیم فتنگین کودتا راسالهای تشدید بدون وقفه استثمار کارگران از راههای گوناگون تشکیل می‌دهد. این کار، هم از راسالهای نگاهداشتن روز کار، محروم داشتن کارگران از استفاده از مزایای قوانین کاری که حتی خود رژیم برسبب شناخته‌بود و تبدیل کارخانه‌ها و کارگاهها به شکنجه‌گاههای زیر نظارت ارتش‌های بازنشسته و ساواکیا صورت می‌گرفت، هم از طریق یکباربردن روشهای تشدید استثمار در جریان تولید، و هم بالاخره از طریق پائین نگام داشتن دستمزدها، کاهش مستمر سطح زندگی کارگران و تشدید فقر در میان آنان به اجرا درمی‌آمد. در ربع قرن تسلط رژیم کودتا، زانغوشینی و ایجاد محله‌های کارگری بنام حلبی‌آباد، حصیرآباد و کاغذآباد در کنار شهرهای ایران به پدیده‌های عادی تبدیل گردید. این وضع که کاخها و کوخها موازی با هم بالا می‌رفتند، مغرب تشدید فقر مطلق و تبسی طبقه کارگر در شرایط استثمار هم‌جانبه امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن بود.

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷، بساط این نظام وابسته به امپریالیسم را درهم ریخت. نتیجه مستقیم این وضع، در شرایط پیروزی قلمی و نهائی انقلاب، رهائی طبقه کارگر ایران از استثمار و حسیانه دوگانه سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های «خود» وابسته خواهد بود.

واقعیت اینست که هنوز طبقه کارگر ایران تمام و کمال از زیر یوغ استثمار دوگانه سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های وابسته رهائی نیافته و کوشش برای پایان دادن به این استثمار، که ریشه‌امسلی فقر و عقب‌ماندگی جامعه ایران است، باید ادامه یابد.

رژیم کودتا به طبقه کارگر ایران وارد آمد و فشار رژیم پلیسی - ساواکی محمدرضای خائن در مدت ۲۵ سال پیش از همه به طبقه کارگر ایران تحمیل شد. رژیم کودتا نه تنها این طبقه را از فعالیت سازمانهای صنفی و سیاسی خود محروم داشت، بلکه به قتل عام هزاران کارگر مبارز، زندانی کردن هزاران نفر از فعالین و دیگران دائمی و وقفه‌ناپذیر کارگران و زحمتکشان ایران در همه ابعاد زندگی و کار و فعالیت پرداخت.

رژیم پلیسی - ساواکی محمدرضا که دست‌پرورده سیا و اینتلیجنس سرویس و موساد بود، منطه یتک - دنیایی و قرون وسطایی و خشتاکی را بر همه جامعه ایران ستولی گردانید. اما این رژیم بخصوص در ارتباط با طبقه کارگر و مبارزان پیش از آن در زندگی و هاری خاصی داشت. شلاق ساواک و پلیس محمدرضاشاهی به کرده همه مردم ایران وارد می‌آمد. اما خوئین‌تر از همه، این شلاق ظلم و جور بر پشت طبقه کارگر فرود می‌آمد، که هم در کارخانه و کارگاه، هم در خانه و خیابان، از نگاه خشم و دست‌نقب مامورین ساواک رهائی نداشت.

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، قبل از همه طبقه کارگر ایران را از سلطه این دستگاه چینی رها ساخته است. کارگران و زحمتکشان ایران، که خود عامل سرنوشته‌ساز پیروزی انقلاب بوده‌اند، هیچگاه از توجه به اهمیت نقش که این انقلاب در رهائی آنان از سلطه رژیم پلیسی - ساواکی ایفا کرده، غافل نخواهند بود و از این انقلاب با تمام نیرو و توان خود دفاع خواهند کرد.

اینجا مسأله برسر بهبود و یا عدم بهبود شرایط کار کارگران در دوران پس از انقلاب نیست، که چنانکه بعدا خواهیم دید، علیرغم مشکلات موجود در این زمینه‌ها نیز دستاوردهای انقلاب برای کارگر ان کم نیستند. اینجا صحبت برسر رهائی طبقه کارگر از سلطه امپریالیسم و جنبی رژیم پلیسی - ساواکی است، که بیشترین و طاقت‌فرسایترین فشار آن به طبقه کارگر وارد می‌آمد.

رژیم دست‌نشانده که تا از نظر اقتصادی اهم عمده استثمار منابع طبیعی کشور و مردم ایران بسود امپریالیسم و انحصارات غارتگر، و در نوبه اول امپریالیسم

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، به رهبری امام خمینی، در یکسال و نیم پیش، دستاوردهای بسیار مهم و جدی برای جنبش کارگری دربر داشته است. جمع‌ست وادریایی این دستاوردها، بویژه در لحظه کنونی، از آن جهت واجد اهمیت است که، ضد انقلاب می‌کوشد با استفاده از نارسائیهایی موجود، از اهمیت انقلاب در نظر کارگران بکاهد، آنان را نسبت به نتایجی که انقلاب ببار آورده و ببار خواهد آورد، مایوس سازد و از این یلی بسود خود و بران خلق بهره‌برداری کند.

بویژه حائز اهمیت است که، طبقه کارگر ایران آگاهی طبقاتی و سیاسی خود را در ارتباط بانوطه‌ها و حیل‌های گوناگون ضد انقلاب حفظ کند، بساط تبلیغات زهر آکین امپریالیسم آمریکا و جیره‌خواران ضد انقلابی آن نیافتد و با استواری و قاطعیت خندشده ناپذیر به دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ادامه دهد. زیرا نه تنها دستاوردهای انقلاب در یکسال ونیم گذشته برای طبقه کارگر به معنی واقعی مهم و جدی است، بلکه مبحث اینکه، تنها از راه تثبیت و تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است که زحمتکشان ایران خواهند توانست به بهبود شرایط کار و زندگی و تحقق خواستهای صنفی و اجتماعی خود نائل گردند. غیراز این، برای برآوردن خواستهای طبقات زحمتکش جامعه، راه دیگری وجود ندارد.

دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی برای طبقه کارگر را در چند مورد اساسی و عمده می‌توان بشرح زیر خلاصه کرد:

قبل از همه، دستاوردهای انقلاب برای طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان ایران در رهائی از تسلط رژیم پلیسی - ساواکی وابسته به امپریالیسم معجم است. استقرار رژیم کودتائی شاه سابق، پس از کودتای خائنه ۲۸ مرداد، منافع همه طبقات و اقشار زحمتکش و ملی را زیر ضربه قرار داد. دوران اختناق ۲۵ ساله پس از کودتای ۲۸ مرداد، پاس کوب آزادی و دموکراسی برای همه طبقات و اقشار جامعه ایران همراه بود. لیکن در این میان طبقه کارگر ایران وضع خاصی داشت. بهترین و بیشترین ضربه اختناق در دوران تسلط

ما امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در جلسه دیروز مجلس

دولت آقای رجائی با کسب رای اعتماد از مجلس رسمیت یافت

آقای رجائی: ما به سویی می رویم که محتوی نهادهای رسمی را به سمت محتوی نهادهای انقلابی ببریم.

حجت الاسلام معادیخواه: اگر پستیهای کلینی دست افرادی که دلشان به حال جمهوری اسلامی می سوزد، سپرده شود، مطمئناً در آینده شاهد تحولات عظیمی خواهیم بود.

در جلسه علنی دیروز مجلس، که در ساعت ۸:۳۰، به ریاست حجت الاسلام رفیقین تشکیل شد، بحث و بررسی پیرامون برنامه و ترکیب کابینه جدید ادامه یافت.

در آغاز جلسه، دکتر سامی، بعنوان سومین مخالف برنامه دولت، به خصوصیات یک جامعه مکتبی اشاره کرد و گفت:

«در جامعه مکتبی انسانها از امکانات برابر برخوردارند... و آزادی بیان، ابراز عقیده و اجتماعات برای افراد وجود دارد و موجب خلایق و پویایی زندگی است. در جامعه مکتبی حکومت مردم توسط مردم در شوراهای مردمی تحقق می یابد و همه افراد، اقتدار و گروههای کشور از حمایت قانونی برخوردارند و هیچکس حق ندارد افراد و گروهها را بدون رعایت حقوق قانونی از آزادی حیات و دیگر حقوق انسانی محروم کند... و اگر ما به سوی چنین جامعه ایده آلی حرکت می کنیم، می توانیم درباره برنامه دولت بحث کنیم.»

وی ضمن اشاره به مقدمه برنامه دولت آقای رجائی درباره اشکالاتی که در کار دولتهای قبل و شورای انقلاب بود، گفت:

«مشکل ما وجود حکومت ائتلافی نبود، بلکه نداشتن یک برنامه و تر مشخص بود...»

وی افزود: «اینهایی که ایشان آورده اند اصول کلی برنامه است، اما برنامه مشخصاتی دارد که در قسمتهایی از برنامه رعایت شده است. بطور مثال در قسمت اقتصادی زمان بندی رعایت شده است، ولی این مسئله در سایر جاها نشده است و این از نقاط ضعف برنامه است... وقتی می گوئیم تامین دارو از راههای صحیح... و یا تامین بهداشت و درمان برای همه، اینها تکرار اصول است، و نه برنامه برای اجرای آن... این باید از نظر زمان بندی و برنامه روشنی که نشان بدهد دولت دارد در این جهت حرکت می کند روشن شود...»

دکتر سامی سپس به مسئله وحدت مردم اشاره کرد و درباره لزوم جذب نهادهای انقلابی و تحت کنترل بودن آنها توسط دولت سخن گفت. دکتر سامی در پایان سخنان خود از مسئله امنیت اجتماعی و حفظ آن توسط ضابطین، که سربانی، پاسداران، کتیبه ها و ژاندارمری باشد، سخن گفت و افزود:

«نیروهای انتظامی حافظین امنیت هستند و نه نیروهای نظامی.»

آنگاه دکتر آیت به عنوان سومین موافق پشت تریبون قرار گرفت. سخنان وی در چند مورد از سوی نمایندگان در موافقت با کابینه و برنامه دولت تشخیص داده نشد و مورد اعتراض قرار گرفت و به همین دلیل وی سخنان خود را ناتمام گذاشت.

مخالف چهارم برنامه دولت، آیت الله گلزاره غنوری، نماینده تهران بود. وی در قسمتی از سخنان خود گفت:

«کابینه جدید نباید براساس خرابیهای گذشته رفوگری کند... واقعا دیگر نباید کسی به خودش اجازه بدهد پیش از این مردم را منتظر نگاهدارد مبادا مانند آنچه که در ۱۸ ماه گذشته، گذشته باز هم تکرار شود و بعد از چند ماه باز بگوئیم اشتباه شد، مردم انقلابی بودند و ما نبودیم و بزرگم فریاد رهبر انقلاب، که احساس مسئولیت می کند، نسبت به شهدا و مردم بلند شود»

وی ضمن اشاره به نواد برنامه دولت درباره امور قضایی و کار و امور اجتماعی گفت:

«برنامه در این موارد سکوت است.» آیت الله گلزاره غنوری در قسمتی دیگر از سخنانش دادن رای

آنها بگوید و آنها نپذیرند؟ ما به دنبال اینها، برنامه ریزی و عمل هستیم. اینها و عمل در مورد سپاه پاسداران و جهاد سازندگی از همان ابتدا وجود داشت، چیزی که می ماند برنامه ریزی است، که آنهم قوی (توتوت) خواهد شد. ماهم سویی می رویم که محتوی نهادهای رسمی را به سمت محتوی نهادهای انقلابی ببریم...»

وی در بخش دیگری، در پاسخ به سؤال یکی از نمایندگان درباره امکان فعالیت آزاد گروههای سیاسی گفت:

«در این مورد من بقانون اساسی، هم معتقدم و هم ملاک عمل قرار میدهم و قانون اساسی هم در این مورد نظر صریح دارد»

نخستوزیر در پایان سخنانش، ضمن تشکر از نمایندگان که موافق و مخالف صحبت کردند اظهار امیدواری کرد که هرچه بیشتر از راهنمایی و اظهار نظرهای نمایندگان برخوردار باشد.

پس از خاتمه سخنان آقای نخستوزیر، مجلس وارد رای گیری شد. رای گیری بصورت علنی انجام گرفت، در نتیجه نمایندگان با ۱۶۹ رای موافق، ۱۴ رای مخالف و ۱۰ رای ممتنع، به کابینه جدید رای اعتماد دادند.

حجت الاسلام رفیقین در پایان جلسه اعلام کرد: تاریخ جلسه بعدی مجلس روز یکشنبه ساعت ۵ صبح خواهد بود و در آن جلسه موضوع پاسخ نامه نمایندگان کنگره آمریکا، اعتراضات چیت بر روی وضع سفارتخانه ها و نیز نامه ۱۱۳ نفر از نمایندگان مجلس مبنی بر دعوت ریاست جمهوری برای ادای توضیحاتی پیرامون سخنانشان در روز ۱۷ شهریور، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

جلسه مجلس ساعت ۲:۱۰ بمدد ظهر پایان یافت.

رای افزود: «بزرگترین اشکال فلج کننده دولت گذشته این بود که پستیهای کلیدی به کسانی سپرده شد و کسانی در مواضع حساس قرار گرفتند که نمی خواستند انقلاب را نجات دهند و به مردم خدمت کنند، نمی خواستند جمهوری اسلامی نجات پیدا کند... اگر پستیهای کلیدی دست افرادی که دلشان به حال جمهوری اسلامی می سوزد، سپرده شود، مطمئناً در آینده شاهد تحولات عظیمی خواهیم بود.»

حجت الاسلام معادیخواه در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «این تصور که ما نیرو نداریم و افراد در اختیارمان نیست، اشتباه است. ما صدها کابینه داریم. نظام گذشته درها را بر روی عناصر صالح بسته بود و وزارتخانه ها در اختیار عناصر محدود شناخته شده بود، وی به مرحله فعلی انقلاب و اشکالات آن اشاره کرد و گفت:

«با همه اشکالاتی که وجود دارد، انقلاب خیلی قویتر از اینهاست.» حجت الاسلام معادیخواه در پایان بار دیگر تاکید کرد که:

«اگر این برنامه اجرا شود و دست کارشکنها کوتاه گرفته، دست کسانی که هنوز در مواضع کلیدی و حساس رخنه کرده اند، کوتاه شود، نظام جمهوری اسلامی جا خواهد افتاد و ... شاهد روزی خواهیم بود که باین پیش بینی افتخار کنیم.»

در پایان صحبت موافقین و مخالفین برنامه دولت، که بیشتر از ۵ ساعت در طی دو جلسه ادامه یافت، آقای رجائی نخست وزیر برای پاسخ به سئوالات و تیز تویضیه ایهاست برنامه کابینه خود، پشت تریبون قرار گرفت. وی ابتدا بار دیگر تاکید کرد که دولت «بند و بند» جزء جزء قانون اساسی را در نظر دارد و خواست اجرای آن است. وی افزود:

«در مورد وزاری که تعیین شده اند، سرپرستو یا نماینده ای سوی نخست وزیر برایشان تعیین خواهد شد. و درباره وزارت دادگستری، شورای عالی قضایی هنوز کسی را معرفی نکرده است.»

نخستوزیر در قسمت دیگری از سخنانش درباره نهادهای انقلابی بطور مشروح توضیح داد و از جمله گفت:

«من بپیوسته معتقد به انقاص نهادهای انقلابی در سازمانهای دولتی نیستم. من درباره دخالت افراد غیر مسئول خیلی شنیده ام، درحالی که انتظار داشتم بشنوم، کمک برادران جبهه، کمک برادران پاسدار... به اعتقاد من آنچه که این نهادها اشکالی دارند، باید اشکالاتشان را رفع کنیم... اگر اینها (نهادهای انقلابی) احساس کنند دولت برادر آنهاست و با آنها در یک خانواده است، چطور ممکن است آدم اشکالها را به

در حاشیه مجلس!

مجلس رئیس دارد! * دکتر آیت، که در یکی از جلسات گذشته برای برنظمی مکرر بدستور حجت الاسلام رفیقین رئیس مجلس، از جلسه اخراج شده بود، دیروز هنگامی که در موافقت با دولت جدید سخن می گفت، مورد اعتراض چندتن از نمایندگان که این صحبتها را خارج از موضوع می دانستند، قرار گرفت. وی در پاسخ گفت: «مجلس رئیس دارد و حجت الاسلام رفیقین بلافاصله گفت: «خوب است بالاخره رئیس را قبول کردید!»

قطار رجال یا صدور کابینه! * حجت الاسلام معادیخواه در سخنانش ضمن اشاره به اینکه «کافی است دو وزارتخانه ها بروی مردم باز شود... آنگاه ما صدها کابینه داریم»، گفت: «و حتی می توانیم آنها را صادر کنیم...» وی در پایان سخنانش، ضمن اشاره به گفته خودش، گفت: «منظور من روشن است که یک مزاج سیاسی بود و جواب به آنکه مهرب می گویند قطار رجال داریم...»

* رای اعتماد به کابینه و شادی نمایندگان و تماشاگران بدنبال اعلام رای اعتماد نمایندگان به کابینه، تماشاگران و نمایندگان با فریادهای رسای تکییر شادی و خوشحالی خود را از تشکیل کابینه اعلام داشتند. حجت الاسلام رفیقین نیز ضمن تبریک آرزوی را به مناسبت این موضوع قرائت کرد. در پایان جلسه، با آنکه شماردندان در مجلس ممنوع است، تماشاگران شیارهایی در تایید کابینه رجایی دادند.

* از جمله کسانی که به کابینه جدید رای مخالف دادند: مهینس بازگان، دکتر سجایی، مهینس صیقلیان، مهینس معین فر، مختفروور و سلامتیان... بودند.

موسسات و ادارات و شرکت در فعالیت سیاسی، نقش قاطعی در دفاع از انقلاب و سازندگی بسود خود جامعه انقلابی ایران داشته باشند، دستاوردهای عظیم انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی برای طبقه کارگر و یشار میروند. آنها که میکوشند با چنین دستاوردهایی برای طبقه کارگر، این طبقه را نسبت به انقلاب بدبین سازند سمی بیپوده میزنند می دارند.

البته کارگران ایران چنانکه باید و شاید هنوز موفق نشده اند از امکاناتی که پیروزی انقلاب در زمینه تشکک و فعالیت صنفی و سیاسی و فعالیت شورائی برای آنان بوجود آورده، تمام و کمال استفاده کنند و همه قدرت تشکک آگاهانه صنفی و مبارزاتی اجتماعی خود را وثیقه تحکیم انقلاب و کسب دستاوردهای دیگر، در سرکوب کامل امپریالیسم و ضدانقلاب، قرار دهند ولی همین نقص و اشکال جدی در جنبش کارگری نیز نتیجه ۲۵ سال تسلط مرگبار امپریالیسم و رژیم دست نشانده برجنامه ماست.

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران نه تنها از لحاظ رهائی کارگران و زحمتکشان از سلطه رژیم سواکوا - پلیسی وابسته به امپریالیسم، بلکه همچنین از جهت ایجاد شرایط مساعد برای شکل یابی طبقه کارگر ایران، بعنوان آگاهترین و نیرومندترین طبقه در جامعه ایران، مورد حمایت و پشتیبانی خسته ناپذیر و بی دریغ کارگران ایران است.

طبقه کارگر ایران از آن آگاهی طبقاتی و سیاسی برخوردار است که بتواند توطئه دشمنان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی را خنثی کند و با حفظ دستاوردهای این انقلاب، دشمنان قسم خورده آن را ازینا در آورد.

۲۵ سال تمام کارگران و زحمتکشان ایران، به معنی تام و تمام کلمه، حق نفس کشیدن نداشتند. استفاده از آزادیهای اجتماعی - سیاسی برای طبقه کارگر اصولا مطرح نبود. حق اجتماع و اعتصاب و تظاهر از کارگران سلب شده بود. رژیم سابق طبقه کارگر ایران را به بند کشیده بود و بطرق گوناگون مانع از شرکت کارگران در سرنوشت خود و کشور بود.

انقلاب این بساط را درهم ریخت و طبقه کارگری را که زیر چکمه خونین سواکوا و پلیس های رژیم پهلوی از هر نوع حقوق اجتماعی - سیاسی محروم نگاه داشته شده بود، به طبقه ای بدل ساخت که در حیات پس از انقلاب امکان فعالیت اجتماعی - سیاسی دارد و می تواند تاثیر جدی در تعیین سرنوشت خود، جامعه و انقلاب داشته باشد. طبقه کارگر ایران در دوران پس از انقلاب رسماً و قانوناً از حق تشکک صنفی و شورائی برخوردار شده، که پیروزی بسیار مهمی بشمار میرود. اصل ۲۶ و اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی به طبقه کارگر ایران اجازه داده است که از تشکک صنفی و فعالیت سیاسی برخوردار باشد و از طریق نظام شورائی در اداره تولید، در جهت تامین عدالت اجتماعی شرکت موثری داشته باشد.

این حقوق، که کارگران ایران طبق آن اکنون می توانند از راه تجمع و تشکک در انجمن های صنفی (سندیکاها و اتحادیه ها) و از طریق شرکت دادن نمایندگان خود در شوراهای نظارت بر تولید در کارخانه ها، کارگاهها،

حفظ بسیاری از مواضع در دست ضدانقلاب و سرمایه های امپریالیستی و وابسته است. برای ازین بردن این اختلالات، که ضربات جدی به کار و زندگی میلیونها کارگر وارد می سازد، طبیعی است که باید به نحو ضدانقلاب و طرد کامل امپریالیسم و سرمایه های وابسته از مواضعی که هنوز در اختیار دارند، پرداخت، و نه اینکه نسبت به انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی اظهار بدبینی و یا عدم اعتماد کرد و از آن روی بر تافت.

امپریالیسم و ضدانقلاب پیرونده آن در کمین چنین روی بر تافتی نیستند. طبقه کارگر ایران با تکیه بر آگاهی طبقاتی و سیاسی که دارد، این آرزو را بر دشمنان انقلاب، انجام نشده، باقی خواهد گذاشت و غیرمشمکلات، یکپارچه تر و متحدتر، بملر دوسر کوب ضدانقلاب و حامیان امپریالیستی آن خواهد پرداخت.

در ارتباط با مشکلاتی که گران، بیکاری، تورم برای زندگی کارگران بوجود آورده، ضدانقلاب داخلی و محافل امپریالیستی، که مدت ۲۵ سال کارگران را از کوچکترین تظاهرات قانونی و بحق محروم داشته بودند، امروز دلسوز کارگران شده اند و آنان را به اعتصاب، تحسین و تظاهر تشویق و ترغیب می کنند. محافل امپریالیستی و ضدانقلاب داخلی، که خود عامل اصلی گران و تورم و بیکاری هستند، کارگران را به تحسین و اعتصاب و تظاهر در برابر این پدیده ها دعوت می کنند، تا بدست خود کارگران، انقلابی را که باعث رهائی طبقه کارگر از سلطه امپریالیسم و رژیم دست نشانده بوده و شرایط رهائی آن را از ظلم و استثمار پایه گذاری کرده، به تشکک بکشاند و مجدداً سلطه امپریالیستی خود را برقرار سازند. لیکن این حيله و توطئه امپریالیسم و ضدانقلاب پیرونده آن عقیم خواهد ماند.

دستاوردهای جنبش کارگری

یکه از صفحه ۱

دادن امتیازات نانجیز، از انتیجار انقلابی از جانب طبقه کارگر جلوگیری می کردند. تغییراتی که تنها در مدت یکسال و نیم پس از پیروزی انقلاب در آن زمینه ها صورت گرفته، نه فقط چشمگیری، بلکه واجد اهمیت است. کارگران ایران از پیروزی انقلاب بیمه، به برکت تحرکها و اجتماعات شورائی و صنفی خود، به نیروی موثر در پایان دادن به شرایط کار اسارت یار سابق و دسترسی به حقوق قانونی خویشی ناآل شده اند. بعنوان مثال میتوان از تغییراتی که در میزان حداقل دستمزدها صورت گرفته (پس از انقلاب سطح حداقل دستمزدهایش از دورابری افزایش یافت) به خصوص قانون حداکثر ۴۴ ساعت کار در هفته، به برابری مرخصی های رسمی کارگران و کارمندان، که همه دستاوردهای اقتصادی - اجتماعی مهمی هستند، اشاره کرد.

در همانحال با تاسف فراوان باید خاطر نشان ساخت که افزایش بی سابقه گران، تورم، توسعه بیکاری، کمبود کالا و احتکار در ماههای اخیر، موجب شده است که طبقه کارگر نتایج مثبت ناشی از افزایش دستمزدها را خیلی زود از دست بدهد.

اما کارگران بخوبی تشخیص می دهند که گران، تورم، توسعه بیکاری و احتکار دستاوردهای انقلاب نیست. اینها میراث شوم گذشته و نتیجه مستقیم فعالیت ضد انقلاب و توطئه های امپریالیسم غارتگر از خارج و داخل است. کارگران بد رستی می دانند که، اختلالات موجود در شرایط کار و زندگی آنان زائیده

«خدمات» معاون ساواک

دست توانای عدالت جنایتکاران ضدانقلابی را یکپاک از گناهانشان بیرون می‌کنند و به دادگاه می‌کشاند. جلادانی که دهها سال بر «شط‌خون» می‌رانند و به پاس «خدمات» ارزنده‌شان به دستگاه استگن شاهنشاهی، یکبارگی پلمهای قدرت را زیر پا گذاشته تا به درجه امیری می‌رسیدند، امروز دفتر اعمالشان را در دادگاههای انقلاب ورق می‌زنند و آنان را به کیفر می‌رسانند.

کشمکش برسرایتکه با این جنایتکاران چگونه باید رفتار کرد، جزئی از مبارزه وسیعتری بود و هست که بین جناح لبرال و رادیکال جنبش انقلابی ایران از همان آغاز وجود داشت و تاکنون نیز وجود دارد.

لیبرالها می‌گفتند و می‌گویند که، اسلام دین رحمت و بخشایش است و باید جرمی را که گردانندگان رژیم سابق، اعم از لشکری و کشوری، در چارچوب اجرای «وظایف» خود مرتکب شده‌اند، عفو کرد و حتی آنها را پاکسازی نکرد، زیرا به گفته آنان:

گرحکم شوهکه مستگیرند در شهرها آنکه هست گیرند انقلاب به راهنشاهی می‌شود «حکیمان» لیبرالها اعتنائی ننموده‌اند که های انقلاب را منحل نکرد، مشغول عدالت را تشکست و، چنانکه شوه هر انقلاب مردمی است، دشمنان خلق را شناسایی کرد و میباید محاکمه کشید، و مقتضای عدالت و رحمت نیز چنین بود، زیرا ترجم بر ستمگر ستم برسدیده‌است.

اینک دست انقلاب گریبان یکی دیگر از جلادان شاه را گرفته و او را «به عنوان یکی از پایه‌های رژیم سابق» محاکمه می‌کند. این جنایتکار حرفه‌ای، سر تیپ بازنشسته محمدانصاری، معاون کل ساواک سابق است.

محاکمه هر یک از این جنایتکار خود یک درس عبرت تاریخی است و پیردهای از گذشته دردناک میهن ما را محسم می‌کند. حاکم شرع به انصاری می‌گوید: «شما به عنوان یک فرد در اینجا محاکمه نمی‌شوید شما به عنوان یکی از پایه‌های رژیم سابق در اینجا محاکمه می‌شوید. شما یک مقام عالی‌رتبه بوده‌اید شما سعی کنید به این عنوان از خودتان دفاع کنید.»

انصاری در پاسخ او می‌گوید: «من وظیفه‌ام را انجام می‌دادم و حاکم شرع به او جواب می‌دهد: «شما مگر عقل نداشتید؟ همین انجام وظیفه‌های شما باعث شده که ۲۵ سال دیگر این ملت تحت ستم باشد و بدبختی بگشند.»

بیبنیانانصاری چه وظیفه «مقدس» را انجام می‌داده است. و می‌گوید:

«من یکی از هواداران حکومت مرحوم دکتر مصدق بودم. من ما موریت داشتیم که عوامل چپ و کمونیست را سرکوب کنم... من در روز ۲۷ مرداد از طرف سرهنگ اشرفی ما موریتم تا از هرج و مرج توسط توده‌ها جلوه‌گیری کنم.»

همین چند جمله، که از دهان انصاری، کسی که پس از کودتای ۲۸ مرداد به مقام معاونت کل ساواک ارتقا می‌یابد، بیرون می‌آید، از نظر تاریخ توضیح نقشی که جاسوسان «سیا» برای تدارک زمینه کودتا فراهم کرده‌اند از دهها مقاله‌ای که با همسرایان می‌نویسند و توده‌ها را عامل سقوط مصدق می‌نامند، گویاتر است. این جاسوسان «سیا»، کسانی نظیر انصاری هستند که ما موریت می‌یابند «عوامل چپ و توده‌ها» یعنی بزرگترین پشتیبانان دکتر مصدق را سرکوب کنند، تا راه را برای پیروزی کودتا هموار سازند چنانکه این ما موریت را نیز اکنون، عوامل دیگری از همان فاش به عهده گرفته‌اند. این جانی حرفه‌ای «سرکوب توده‌ها» را هم جرم نمی‌داند و با کمال بیشرمی ادعا می‌کند که:

تاکنون نیز در هیچ کجا مرا به عنوان سرکوبگر مردم نام نبرده‌اند و این خود دلیل پاکدامنی من می‌باشد.

انصاری در جواب دادستانی، که در کیفرخواست خود او را یکی از بنیان سازمان ضد مردمی ساواک می‌نامد، می‌گوید:

«این جانب در تا، سپس ساواک منحل هیچ نقشی نداشتم و حدود مشارکت من این بود که یک نفر افسر آمریکایی در اداره نشسته بود و افسران پیش او می‌رفتند و طرح اداره خود را می‌دادند، که من هم مثل بقیه رفتم و طرح اداره پنجم ساواک را دادم.»

انصاری ابتدا مدیرکل اداره پنجم، سپس مدیرکل اداره دوم و پس از آن معاون کل بازرس کل ساواک بوده است.

این هم درس عبرت دیگری از تاریخ: مدیران کل ساواک طرح ادارات خود را به «یک نفر افسر آمریکایی» که در اداره نشسته بود» می‌دادند. آری طرح سازمانی ساواک را یک افسر آمریکایی باید تصویب کند. و این تنها ساواک نیست. همه جای دیگر نیز یک آمریکایی نشسته بود و بایستی طرحها را تصویب او می‌رسید. آیا بر چنین کشوری می‌توان نامی جز مستعززه گذاشت؟

هر قدر زندگی گذشته، در دوران نظام شاهنشاهی روستن و گوشه‌های از تاریخ پنجاه ساله میهن، آشکارتر می‌گردد، اهمیت و شکوه انقلاب بزرگ میهن با عظمت بیشتری به چشم می‌خورد.

واقعا ما که بودیم؟ چه داشتیم؟ ایران چه بود جز یک اسیرانی در بند در چنگال امپریالیسم آمریکا؟

اسف انگیز بدان دلیل که، ساواکی‌ها این حرف را در تطابق با جو حاکم در برخی از محافل دینوفذ می‌زنند و می‌خواهند «قربانیت» خودشان را به آنان در «مبارزه علیه توده‌ها»، به عنوان کفاره گناهان خود وانمود کنند.

ای همین اظهارات کسانی چون انصاری و تهرانی شنگنه هر طرف و دیگران، که «حرف دهن خودشان را می‌فهمند»، بهترین دلیل بر نادرستی سیاست توده‌ها نیست؟

تاریخ ثابت می‌کند و زندگی انصاری نیز گواهی می‌دهد که، تمام دیکتاتوریهای فاشیستی جهان، که رژیم شاهنشاهی نیز یکی از فرومایه‌ترین آنها بود، همیشه از سرکوب «عوامل چپ» شروع و سپس همه‌گیر شده است. فاشیسم در ایتالیا، آلمان و اسپانیا، با سرکوب کمونیستها آغاز گشت و سپس حتی دهان راستین‌ترین احزاب بورژوازی را نیز بست. شلی و اندونزی نمونه‌های دیگر آن هستند. شاه سابق نیز با همین روش دیکتاتوری خونین خود را برقرار ساخت. شاه سابق در آخرین کتابی که قبل از مرگش نوشت، صراحتا اعتراف می‌کند که، ساواک را برای مبارزه با حزب توده، ایران تأسیس کرده است. مهم‌ترین اعضای ساواک، افسران مزد و وفاکی نظیر انصاری بودند که در دوران مصدق به عنوان مبارزان ضد توده‌ها شناخته شده بودند. مستشاران آمریکایی که ساواک را تشکیل دادند، پیوندهای یکایک افسران ایرانی را، که به خدمت پذیرفتند، از نظر می‌گذرانند و نخستین شرط پذیرش آنان «ضد توده‌ها» بودنشان بود.

ولی ساواک همین که جای پای خود را محکم کرد به سراغ دیگر نیروهای مردمی آمده است از دانشگاهیان و دانشجویان مبارز غیرتوده‌ای آغاز کرد و به تدریج دامنه سرکوب و کشتار را تا حوزه‌های علمیه سطداد.

این واقعت را یک لحظه نباید فراموش کرد که تعصب کور ضد توده‌ها بهترین زمینه را برای موفقیت کودتای ۲۸ مرداد فراهم کرد. و به همین دلیل نیز بقای هر کس که بعد از سران سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلستان در آمد، به این تعصب دامن می‌زدند. امروز امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی همین شوه را عیناً دنبال می‌کنند. ساواکها نیز ابزار آنان هستند و خود را در این زمینه چنان موفق می‌بینند که، سرمدارشان انصاری امیدوار است تا توسط «خدماتش» در دوران مصدق بر ضد «توده‌ها» گریبان خود را از چنگال عدالت برهاند.

چه امید بی پایه‌ای! تاکنون هیچ دادگاهی در دام خدعه این فریبکاران نیفتاده است. تردید نداریم که دادگاه شماره ۳ انقلاب، که سر تیپ انصاری را محاکمه می‌کند نیز عدالت را در حق وی جاری خواهد کرد و او را به کیفر شایسته‌اش خواهد رسانید.

«نیش» خبرگزاری پاکستان به حزب توده ایران

خبرگزاری پاکستانی، حزب توده ایران را متهم کرده است که تلاش دارد روابط ایران و پاکستان را برهم زند. اگر دستگاه تبلیغاتی رژیم ضیاء الحق در پاکستان، علیه «حزب کمونیست توده» یادسنگه تبلیغاتی امپریالیسم (آوسیتدیرس، یونایتد پرس، رویتر، فرانسیس پرس، صدای آمریکا، بی بی سی، رادیوی عراق، رادیو «بختیار» و رادیو «اوسی») هم صدا نمی‌شد، ارکستر ضد حزب توده ایران تکمیل نمی‌بود.

پشتیبانی اصولی و قاطع حزب توده ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پر محور مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم آمریکا، برای تأمین و تحکیم استقلال واقعی و کامل سیاسی-اقتصادی، نظامی، فرهنگی ایران، خصوصیت دیرین امپریالیسم و عاالش را نسبت به حزب ما بیش از پیش شدت وحدت بخشیده است. لذا اگر رژیم آمریکایی پلیسی-نظامی ضیاء الحق در برابر این خصومت، به سهم خودنیشی به حزب توده ایران نمی‌زد، شکست انگیزی بود.

اما سبب این که ما لازم دانستیم سخنی درباره اتهام خبرگزاری پاکستان به حزب ما بیان داریم، نه ابراز خصومت از این خبرگزاری است، که امری است «طبیعی»، بلکه ضمن اتهام است، به ویژه از این لحاظ که، «تصادفا» همگونی با اتهامی است که آقای قطب زاده به حزب ما زده است.

خبرگزاری پاکستان طی گزارش مفصلی درباره مسائل ایران، که از دیدگاه اسلام آمریکایی و رژیم دست نشانده و فرمانبردار آمریکا تنظیم شده، از جمله حزب توده ایران را متهم ساخته، که کوشیده‌است «پیوندهای حکومت‌های اسلامی ایران و پاکستان را برهم زند». این همان اتهامی است که آقای قطب زاده هم به حزب ما وارد می‌ساخت.

ما از تجدید این اتهام، این بار توسط خبرگزاری پاکستان، به این نتیجه می‌رسیم که، کوشش در خلط میحث در یک مسئله فوق العاده مهم سیاست خارجی، به نحوی بیگیر و به مقیاس وسیع ادامه دارد و بنا بر این لازم می‌دانیم که مسئله کشنده شود. مسئله‌ای است که مناسبات بین ایران و پاکستان را به یکدیگر کشورهای جهان، از جمله با کشورهای همسایه، بر کدام مبانی باید استوار باشد؟

ما بر آنیم که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای حفظ و تثبیت و تحکیم استقلال همه جانبه ایران، بر مبنای اصل نفی سلطه جوشی و سلطه پذیری، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تصریح شده، یعنی بر مبنای احترام متقابل به حق حاکمیت، به مضمونیت بی‌خدشه تأمین ارضی، عدم مداخله متقابل در امور داخلی یکدیگر، رعایت سود متقابل و مرضی‌الطرفین در برقراری مناسبات بازرگانی و اقتصادی و غیره برقرار شود. این مبانی

در واقع همان مبانی سیاست معروف به «همزیستی مسالمت آمیز است» که باید پایه مناسبات متقابل بین کشورهای مختلف، با نظام‌های اقتصادی-اجتماعی مختلف، را تشکیل دهد.

از طرف دیگر، این واقعیت عیان است، که رژیم ضیاء الحق در پاکستان، رژیم است همانند رژیم شاه ملعون در ایران، زیر سلطه آمریکا و عامل اجرای سیاست آمریکا در منطقه. به این رژیم، که با قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا، به عرابه جنگی پنتاگون زنجیر شده، به دنبال پیروزی انقلاب ایران نوعی نقش «زاندارم منطقه» ای واگذار شده که، می‌بایستی در درجه اول علیه انقلاب‌های ضد امپریالیستی و خلقی افغانستان و ایران عمل کند. بنا بر این، تا زمانی که حکومت در پاکستان، حکومتی است ظاهرا پاکستانی، ولی ماهیتا آمریکایی، نمیتواند و نباید مانند آقای قطب زاده، صرفا به دلیل اینکه این حکومت خود را «اسلامی» معرفی می‌کند، آن را دوست انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تلقی کرد و بر این مبنا با آن رابطه برقرار نمود.

اصولا تشخیص دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، و بر مبنای این تشخیص، برقراری رابطه با آنان، کاری است نه چندان آسان، گرچه فوق العاده مهم و لازم. آسان نیست، برای اینکه کشور ما تقابل از پیروزی شکوهمند انقلاب استقلال بخش ۲۲ بهمن، همواره از هر لحاظ زیر نفوذ امپریالیسم و تحت تاثیر تبلیغات آن در تمام زمینه‌ها قرار داشته است. در نتیجه، اکنون غیر از کسانی که آگاهانه از «خط برزیسی» در جهت نشان دادن دوستان به جای دشمنان و دشمنان به جای دوستان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پیروی می‌کنند، هستند کسانی که بی‌غرضانه و ناآگاهانه در تشخیص دوست و دشمن اشتباه می‌کنند.

برای برهیز از این اشتباه چه باید کرد؟ بدیهی است که باید در سیاست خارجی ملاک‌ها و معیارهایی را بنای کار قرار داد، اصول معینی را تدوین نمود، تا هر کشوری طبق آن مبانی و اصول حاضر به برقراری رابطه با جمهوری اسلامی ایران شد، با آن کشور رابطه و مناسبات برقرار گردد. به عبارت دیگر، برای برهیز از اشتباهات در تشخیص دوست و دشمن، ما برقراری هرگونه رابطه را بر مبنای سود عادلانه، متقابل، همکاری متقابل سودمند، ضمن خواست رعایت اکید عدم مداخله در امور داخلی، شناخت و احترام به حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشور ما، می‌طلبیم و هر کشوری، قطع نظر از نظام اقتصادی-اجتماعی آن، چنین مناسباتی را پذیرفت و در عمل آنرا مراعات کرد، ما با آن کشور به استقرار و گسترش مناسبات می‌پردازیم.

بدینسان ما از همکاریهای کشورهای دوست



ایجاد درگیری و تشنج - کار اصلی گروهکهای مائوئیستی

ترجمه‌های پوک، در هر جا که باشند، تنها به یک کار اشتغال دارند، و آنهم ایجاد محیط درگیری، تشنج و نفاق در بین مردم است. تازه‌ترین محلی که این «ترجمه‌ها» جولانگاه تحریکات و نفاق افکنی-های خود قرار داده‌اند، ده «تیوکلا»، در ۲۰۰ کیلومتری شمال غربی ساری است. در این ده، مائوئیستهای حزب دواشکویه، «توفان»، محیطی متشنج و آشفته بوجود آورده‌اند. آنان با صدور اعلامیه‌های سراسر توهین به امام خمینی و انقلاب جمهوری اسلامی ایران، با نوشتن شعارهای ضد انقلابی بر دیوارهای ده و بی‌احترامی به معارف مذهبی مردم، از یکسو دهان مردم را نسبت به مبارزان کمونیست بدبین کرده‌اند و از سوی دیگر، زمینه‌های لازم را برای درگیری میان مردم بوجود آورده‌اند.

اخیرا، در شبهای قتل درماه رمضان، آنان با ایجاد تشنج، مراسم مذهبی خاصی را که مردم تدارک دیده بودند، بهم زدند و درگیر بهایی در محل بوجود آوردند. این عناصر ضد انقلابی از سخنرانی نامبند، جهاد سازندگی جلوگیری کردند و مینی بوس حامل اعضای انجمن اسلامی را درهم شکستند. آنها حتی سعی کرده‌اند تا مردم محل را علیه سپاه پاسداران انقلاب بخوراند. این عناصر ضد انقلابی پاسداران را «عامل آمریکا» خوانده‌اند و تا حال چندین بار مردم را دعوت به درگیری با پاسداران انقلاب کرده‌اند.

لازم به تذکر است که رفقای توده‌ای در این ده، مانند همکاران، سعی کرده‌اند تا با روشن کردن ماهیت واقعی این گروهکها و نیز خنثی کردن توطئه‌ها و تحریکات آنها برای آسودن کشیدن منطقه، نقش انقلابی خویش را برای تثبیت و تحکیم انقلاب و مصون ماندن آن از انواع توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا ایفا کنند.

**برقراری اتحاد همه نیروهای
ضد امپریالیستی
و دمکراتیک ایران
در جبهه متحد خلق**

برخوردار می‌شویم و دشمنان خود را نه فقط در جبهه بی‌نقاب امپریالیسم آمریکا، بلکه در پشت نقاب «اسلام آمریکایی»، که ضیاء الحق‌ها بدان پناه برده‌اند، در عمل با خواهیم شناخت.

اماداریاره «نیشی» که خبرگزاری پاکستان به حزب توده ایران زده است، نکته گفتنی و دانستنی اینست که، این خبرگزاری هم، مانند دیگر دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم، سعی دارد به خیال خود از «جوی» استفاده کند که خود این ماشین دروغساز و دروغ‌پرداز بر ضد «حزب کمونیست توده»، طوسی چندین ده سال تبلیغ در ایران (برضد همه احزاب کارگری و کمونیستی در تمام دیگر کشورها) ساخته است. محصول این ماشین در یک کلمه خلاصه می‌شود، و آن اینکه، «توده‌ها» دشمنند. (دشمن کی، چی؟ معلوم نیست، و یا معلوم است. دشمن همه کس و همه چیز.)

حالا این «توده‌ها»، که «دشمن‌اند»، می‌گویند (اینجا را هم خبرگزاری از خود می‌سازد) باید رابطه ایران با پاکستان برهم بخورد. پس باید عکس خواست این «توده‌ها» را انجام داد، یعنی باید ایران با پاکستان همگام و همراه شود و سیاست خارجی ایران نسبت به پاکستان در همان راهی برود که آقای قطب زاده می‌برد.

خبرگزاری پاکستان صریح نگفته است که سیاست خارجی ایران باید بر روی «خط برزیسی» پیش برود، این خبرگزاری خواست خود را در قالب حمله به حزب توده ایران، که گویا مخالف با «پیوندهای حکومت‌های اسلامی در ایران و پاکستان» است، مطرح کرده است.

به این شکر در اینجا باید توجه لازم مبذول داشت.

تا اختلافات موجود میان روستائیان پیر آباد و مشهد، بر سر مسئله آب، بجاهای باریک تکشیده است، تدبیر فوری بیاندیشید

روستاهاى پیرآباد و مشهد ۲۰ روستای بزرگ از منطقه "شان" هستند. که ترتیب دره ۳ و ۳۲ کیلومتری نهبندان قرار دارند. اختلاف اصلی در این دو روستا بر سر تقسیم آب مزروعی است. یکجمله از آب زراعی این روستا (پیرآباد) از چشمه‌های تابعین میشود که در روستای مشهد قرار دارد. قسمت دیگری از آب زراعی آنها از دره‌ای بنام دره تنگ بن تاسمین میشود.

آب این دره همیشه نیست و اگر در یکسال میزان بارندگی کم باشد، احتمال اینکه در اواخر تابستان خشک شود، بسیار است. در گذشته تقسیم آب بین دو روستای مزبور بدینصورت بود که، نصف آب مشهد مربوط به اراضی مشهد بود و نصف دیگر آن به مصرف اراضی پیرآباد میرسید. از آب دره تنگ بن تاسمین اختصاصی به اراضی مشهد داشت و نصف آن سهمیه پیرآباد بود.

پس از انقلاب، تا برداشت محصول بهاره سال ۵۹، تقسیم آب بین دو روستا به همین صورت باقی بود. ولی از موقع کاشتن برنج در مورد تقسیم آب بین اهالی این دو روستا اختلافاتی بروز کرد. اهالی مشهد ادعا دارند که چون سرچشمه بخشی از این آب در مشهد قرار دارد، تمامی این آب بایستی به اراضی مشهد اختصاص یابد و اگر تا حال چه این آب را پیرآبادی‌ها می‌برده‌اند، بی‌عدالتی بوده است.

اهالی پیرآباد ادعای آنها را قبول ندارند و میگویند، چنانکه ما از این آب محروم شویم، تمام کشاورزی و زندگی ما مختل و در مانده خواهد شد. با اوج گیری اختلاف، اهالی روستای مشهد پیشنهاد کردند که آب چشمه مشهد نیز بهمان صورتی تقسیم شود که آب دره تنگ بن، یعنی به نسبت ۵-

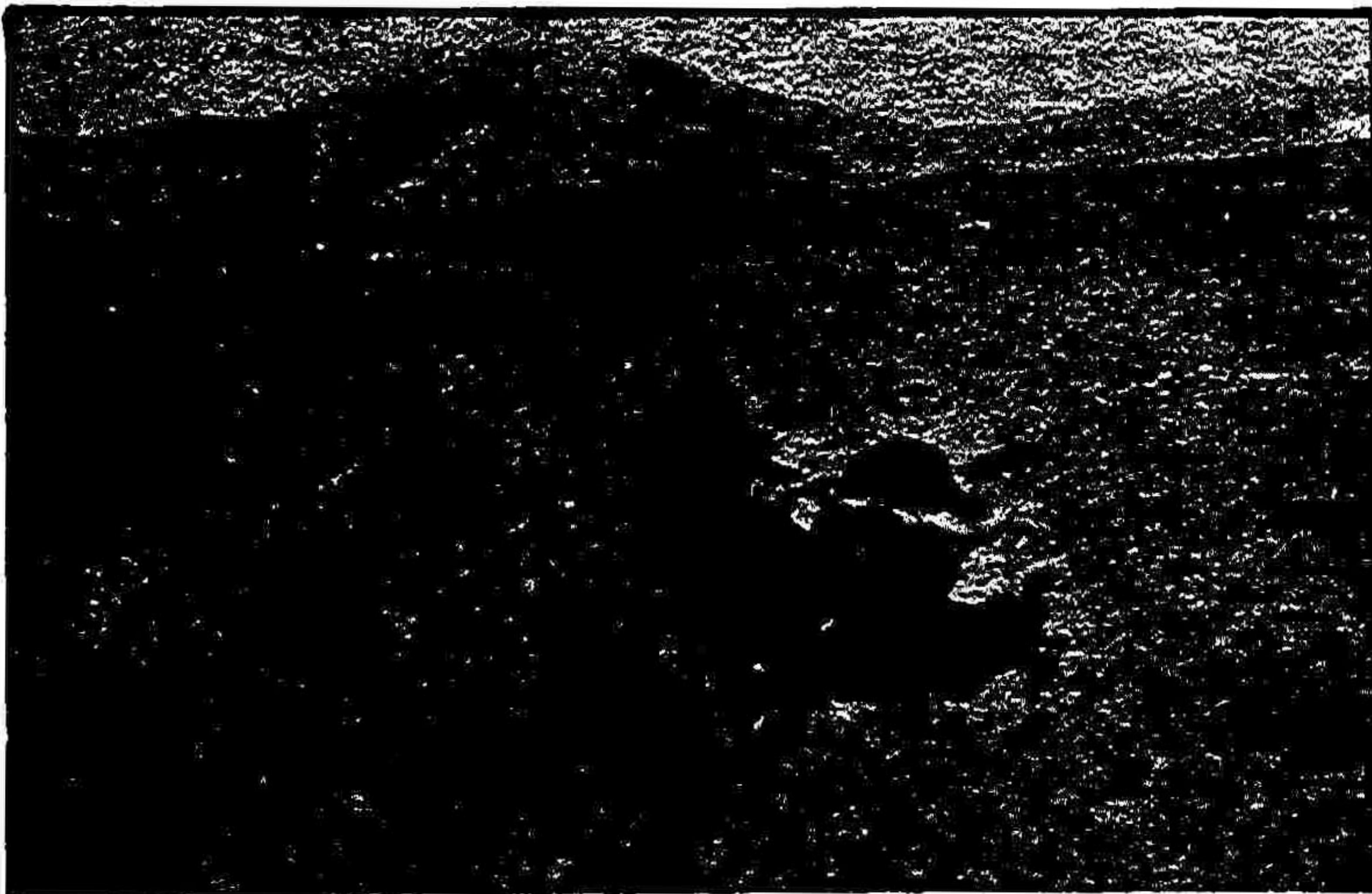
برای روستای مشهد و پیرآباد جهت حل این مسئله چندین بار به مقامات مسئول از جمله دادسرای انقلاب، اداره کشاورزی و فرمانداری مراجعه کرده‌اند و اعتراض خود را بیان داشته‌اند. سرانجام نماینده اداره کشاورزی به اتفاق نماینده فرمانداری در پاسگاه پیرآباد جهت رسیدگی به موضوع حضور یافتند. اهالی پیرآباد در این فرصت بار دیگر اعتراض خود را بصورت دسته جمعی مطرح کردند و پس از مراجعه، و کسب معرفی نامه به اداره ثبت املاک و بررسی اسناد زمین‌های مربوطه، معلوم شد که آب چشمه مشهد سهمیه اراضی پیرآباد است، اما در مورد آب دره تنگ بن در اسناد مزبور ذکری به میان نیامده است. در حال حاضر هنوز هم موارد اختلاف بصورت خود باقی است.

مقامات مسئول باید هر چه سریعتر و با طرح یک برنامه مشخص در این زمینه، از بروز اختلافات شدیدتر میان این دو روستا، که ممکن است به فاجعه بدل شود، جلوگیری کنند.

دولت انقلاب میتواند از طریق جفرجهای عمیق و نیمه عمیق، و اگذاری دستگاه پمپ آب، نهر کشی وغیره، با مطالعه وضع مشخص محل و طرز بنی مشخص حل این مسئله حیاتی، گره از این کار بکشاید و آب آتامیدنی زراعی این دو روستا را تامین کند. دهقانان زحمتکش باید بدانند که زندگی بهتر آنها در گروهی اتحاد آنها همکاری و تعاون است. باید با حوصله و تدبیر برادران را یکتک نهادهای انقلابی و مسئولان دولتی، این گونه مسائل را حل کرد و از هرگونه دعوا و برخورد و تشنج، که بسود دشمن مشترک و دهقانان همه مردم ایران است، احتراز نمود.

روستایی زمین را آباد میکند، ولی ثروت و رفاه از آن بزرگ مالک است

گذردی به روستا



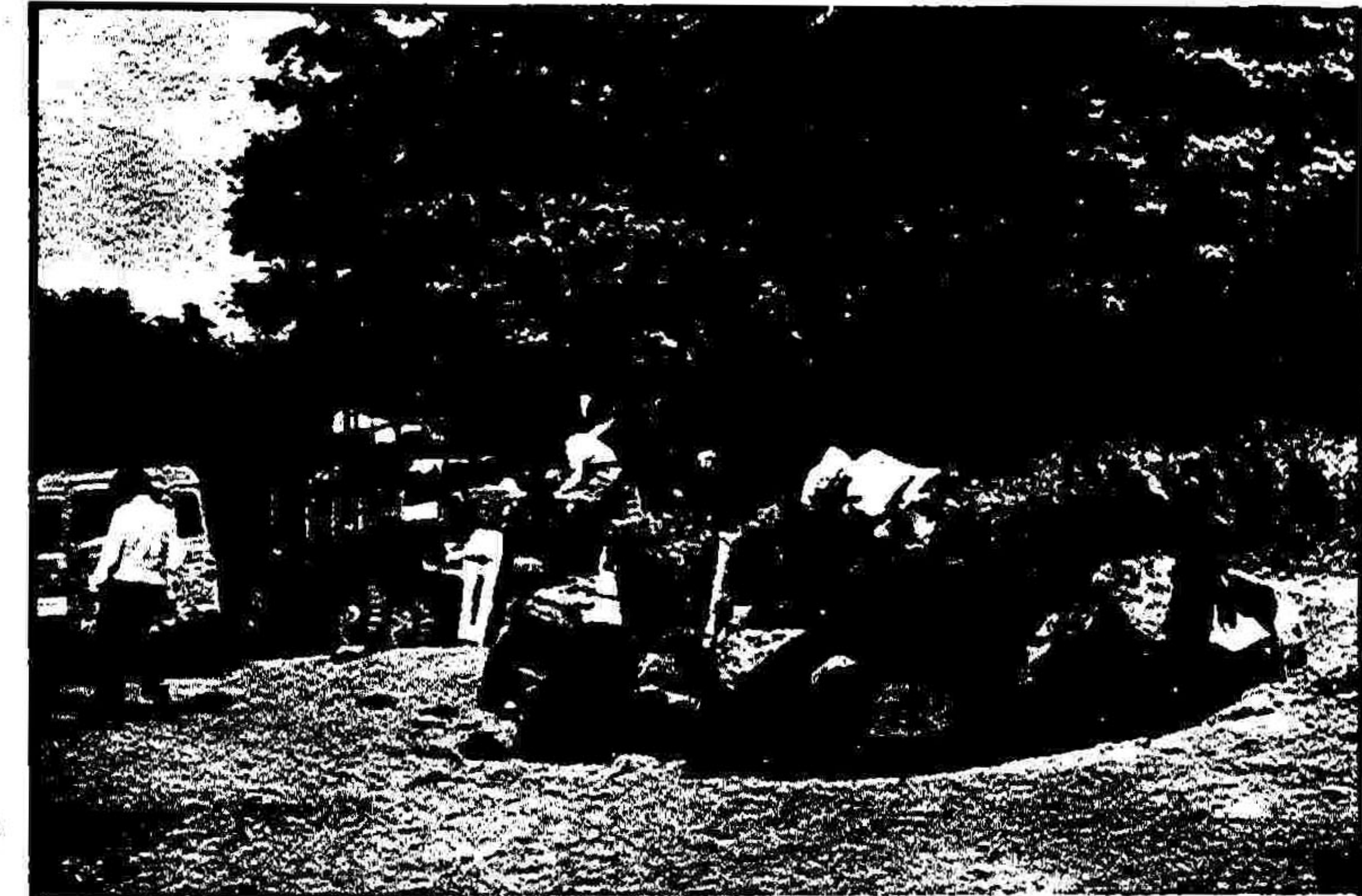
اسلام آباد غرب (نمکه چهارمله اکبر) این دهقانی که در شرایط سخت و با وسایل ابتدائی سالهای سال کار می‌کند تا زمین را بارور سازد، آیا نباید صاحب زمین و محصول باشد؟

شایان می‌گوید: سه هکتار زمین دارم و هفت ساعه مالک سابق ده هکتار زمین را به زور به زارع دیگری داده است. بیست سال تمام در یک باغ کارگری کردم و سالیانه ۵۰۰ تومان به من می‌دادند. من این باغ را آباد کردم. به دستم نگاه کنید سه سال پیش مالک باغ را فروخت و برای من جز آن سه ساعه چیزی نماند. البته شکایت کردم ولی بی نتیجه بود. مشهدی قاسم نیز وضع خود را، که وضع روستائیان بی زمین است، چنین بیان می‌کند: "سالی ۱۳ هزار تومان اجاره زمینی را که خودم روی آن کار می‌کنم، به مالک زمین میدهم. من زحمتش را میکشم و دیگری حاصلش را می‌برد." خوش نشینان شایان می‌گویند:

به روستای شان، مرکز دهستان شان، در ۱۲ کیلومتری شهرستان اسلام آباد غرب در کرمانشاه میرویم. روستایی که در بن نیازهایش می‌سوزد و در انتظار بهروزی است. این روستا ۳۰۰ خانوار را در بر می‌گیرد. ۵۰ نفر از اهالی روستای شان بی زمین هستند و معمولاً به نصف کاری یا کارگری برای دیگران مشغول هستند. دهقانان از مشکلات خود می‌گویند: "در زمان طاغوت از وضع بدده شکایت کردیم، ولی بی نتیجه بود. اسامی هم، بهنگام اعلام قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب، شکایت کرده‌ایم، ولی تا بحال نتیجه نگرفتیم. به ما وام کشاورزی نمی‌دهند و شرکت تعاونی هم به ما جنس نمی‌دهد.

حسن حیدری یکی از دهقانان بی زمین این روستا می‌گوید: "بیشتر زمین داشت، ولی مالکین آنرا به زور غصب کردند و این مالکین الان در کرمانشاه زندگی می‌کنند و سرمایه دار هستند. حالا من از دولت تقاضا دارم یا اراضی را مطابق طرح اسناد ارضی اصفهانی تقسیم کند و یا اگر زمین به اندازه کافی نیست در این محل کارخانه‌های شرکت پادامه‌ای ایجاد کند، که مادر آن کار کنیم. ما اهل کار و زحمت هستیم و میخواهیم لقمه‌ای نان حلال برای زن و بچه‌هایمان بدست بیاوریم. ما حقیقتاً نمی‌توانیم مواد غذایی به این گرانی بخریم. آخر ما که چیزی نداریم. دولت باید این گرانی‌ها را از بین ببرد تا لباس و پارچه و کفش ارزان شود." سید داود موسوی، دهقان زحمتکش دیگر

"در شهرها آرزای نمی‌دهند و ما را با شرکت تعاونی حواله میدهند. شرکت تعاونی هم تنها به آنهایی آرزای میدهد که عضو باشند. ما احتیاجاتمان را کجا برطرف کنیم؟" روستایی زحمتکش بدرستی و بحق می‌گوید که اوست که بر روی زمین رنج می‌برد، ولی بهره‌اش از آن دیگر نیست. اوست که آباد می‌کند، ولی ثروت و رفاه از آن بزرگ مالک است. مقامات مسئول باید به سرعت هیئت هفت نفری مسئول اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب و آئین نامه اجرایی آنرا مقرر کنند تا بسود زحمتکش روستا قانون را اجرا کنند. باید حاصل رنج و زحمت روستائیان ستمدیده نصب خود آنان گردد. این حکم انقلاب است.



اینجا سر راه علی آباد هوراند (اهر) و مرکز جمع‌آوری سبزیهای گیلاس، توت و سایر محصولات باغبانان است. این محصولات تا ساعت ۲ بامداد در این محل جمع می‌شود و از آنجا به شهر منتقل میگردد. برای ارسال میوهها به شهر، هیچگونه تضمینی وجود ندارد. هر نوع اختلال در حمل و نقل می‌تواند منجر به ترشیدن میوه و خرابی آنها بشود و زحمت دهقانان بهدر رود.

به خواست اهالی روستای علی آباد رسیدگی کنید

رسیدگی فوری بشود. خواستهای اهالی علی آباد عبارت است از: ۱- دادن وام به کشاورزان جهت توسعه کشت. ۲- ایجاد شرکت تعاونی در روستا برای تهیه وسائل مورد احتیاج زندگی روستائیان و همچنین تهیه وسایل کشاورزی ارزان قیمت برای کشاورزان. ۳- ایجاد مدرسه راهنمایی در روستا تا دانش آموزان برای ادامه تحصیل مجبور نباشند به شهرت و نقاط دیگر بروند. ۴- لوله کشی آب آتامیدنی در روستا. رسیدگی به خواستهای بحق این دهقانان وظیفه دولت انقلاب است. باتامین بودجه کافی برای جهاد سازندگی و برنامه ریزی دقیق برای بازسازی روستاها، از مشکلات دهقانان زحمتکش بگامید.

روستای علی آباد ۶۰۰ خانوار در ۷ کیلومتری بخش شینتر قرار دارد. محصولات زراعی این روستا گندم، بونجه و بادام است، که مازاد بر مصرف آن در نقاط دیگر و بویژه در شینتر به فروش می‌رسد. از ۶۰۰ خانوار این روستا ۴۵ خانوار بی زمین و حدود ۵۰ خانوار کم زمین هستند. کمبود آب مزروعی مانند دیگر روستاهای منطقه مشکل اساسی اهالی "علی آباد" است. هم اکنون جهاد سازندگی با یکتک اهالی روستا مشغول حفر چاه عمیق برای بیاری مزارع است. روستائیان علی آباد در انقلاب نقش فعالی داشتند و حتی اغلب جهت شرکت در تظاهرات علیه رژیم مخلوع به شهر تبریز می‌رفتند. آنها از دولت انقلابی می‌خواهند که به وضع نابسامان روستائیان، که تاکنون حداقل ۱۵۰ نفر بعت این نابسامانیها مجبور به مهاجرت از روستا شدند،

سازمان حزب توده ایران - هشتر: صف انقلابی و ضد انقلابی را با ملاک های ضد امپریالیستی و خلقی بودن از هم تفکیک کنید

همزمان با ورود و استقرار افراد سپاه پاسداران انقلاب در هشتر، سازمان جوانان توده ایران - هشتر، با انتشار اعلامیه‌ای، آمادگی خود را برای دادن هرگونه کمکی به این پاسداران اعلام کرد. در این اعلامیه از جمله می‌خوانیم:

"ورود سلحشورانه شان زحمتگان برون جوشیده از دل انقلاب، امیدهای را از دوسوی در منطقه برانگیخته است. از یکسو جهتی ضد انقلاب (فئودالها، جیره خواران بازمانده از رژیم منفسور پهلوی) امید آن دارند که برای نیل به امیال پلید خود، بر امواج سهمگین خشم توده‌های مستضعف سوار شوند، و در این رهگذر می‌خواهند با تکیه بر شما پاسداران جان برکف، هر حرکتی را که مانع تحقق نقشه‌های خائنانه آنان گردد، در نقطه مدفون سازند. از سویی دیگر، زحمتکشان له شده زیر بار سنگین هزینه‌های زندگی، دهقانان بی چیز و فقیر زده جای دارند که عمیقاً خواستار محو هرگونه سلطه امپریالیستی، برچیدن بقایای نظام فئودالی، مبارزه بی‌امان با محترکان و کرانفروشان و سرکوب قاطعانه عوامل ضد انقلاب اند.

در این مبارزه مرگ و زندگی، ایادی آمریکای جنایتکار، عناصر فئودال و لیبرال و نیمه راهسان و تنگ نظران برآند تا با پیش کشیدن مسائل فرعی از قبیل برچیدن دکها، منع فروش نشریات انقلابی و قانونی که رسالت افشاء و مبارزه با این خسوف فروختگان را دارند جهت اصلی مبارزه را، که همانا مبارزه با "شیطان بزرگ" امپریالیستی و جنایتکار و ایادی داخلی است، منحرف سازند، تا خود فرصت لازم را برای ضرب زدن بر بیکر جمهوری جوان اسلامی ایران و به زانودراوردن آن بدست آورند. در دنباله اطلاعیه، ضمن دادن هشدار در مورد توطئه‌های عوامل آشکار و ماسک به چهره زده ضد انقلاب، از پاسداران مذکور خواسته شده است تا صف انقلابی و ضد انقلابی را با ملاک ضد امپریالیستی و خلقی بودن از هم تفکیک کنند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

تمام مبارزین صدیق انقلابی می‌دانند: توده‌ایها پاسداران صدیق دستاوردهای انقلاب اند

هر روز که می‌گذرد، به موازات روشن شدن صحت ارزیابی‌های مبنی اصولی و انقلابی حزب توده ایران در دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، صداقت و مزم راسخی که مبارزین توده‌ای در مبارزه علیه توطئه‌ها و تحرکات امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکای جنایتکار، از خود نشان می‌دهند، برای سایر مبارزان انقلابی ملموستر می‌شود. و این واقعیت در برخورد ها و صحبت ها کلام روشن میشود. واقعیت زبر نمونه کوچک، ولی گویای بر صحت این مدعاست:

اخیرا در قزوین، هنگامی که رفقای توده‌ای مشغول نصب پوستره‌های حزب توده ایران بودند، تن از اهالی، که یکی از آنها از مبارزه داران بزرگ شهر است، با توهین به رفقا، پوستره‌های آنان را پاره می‌کنند ولی با خبر کردن سپاه پاسداران انقلاب به خیال خود توطئه‌گران را به دست قانون می‌سپرد. لیکن در محل کمیته انقلاب، رفقای ما با برخورد صحیح و انقلابی پاسداران انقلاب مواجه می‌شوند. در آنجا یک روحانی به اتفاق یک پاسدار، از رفقای ما به خاطر آوردنشان به کمیته عذرخواهی می‌کنند و پوسترها را به آنها مسترد می‌دارند. آری، تنها خرفان هستند که نمی‌خواهند قبول کنند که "توده‌ایها در همه جا و با تمام نیرو از دست آوردهای انقلاب و از نظام جمهوری اسلامی ایران دفاع و پشتیبانی می‌کنند."

گرانی روز افزون هزینه زندگی و دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

بمناسبت هفته همبستگی با خلق شیلی

عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی در مصاحبه با خبرنگار «نامه مردم»: امپریالیسم امریکا میخواهد تجربه شیلی را در ایران تکرار کند



رفیق پتریکو تگوریا، عضو هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی

تیراژ ۵ هزار نسخه منتشر میشد ماهی دوبار در تیراژ ۳۵ هزار نسخه منتشر و در میان تودهها بطور کامل مضمون توزیع گشت.

دفاع از انقلاب ایران

پرسش: حزب کمونیست شیلی انقلاب ایران را چگونه ارزیابی می کند؟

پاسخ: «انقلاب ایران یک انقلاب بزرگ ضد امپریالیسم بود که به رهبری روحانی انقلابی، آیت الله خمینی، توانست رژیم شاه را سرنگون کند و دریکی از حساس ترین نقاط جهان به امپریالیسم آمریکا ضربه مهلکی بزند. حزب کمونیست شیلی از این انقلاب بزرگ پشتیبانی و از شخصیت آیت الله خمینی ستایش می کند.

همانطور که گفتیم، وحدت تودهها در ایران برای سرنگونی شاه، برای ما یک نمونه و یک تجربه بسیار بزرگ است. ما همچنین برای حزب قهرمان توده ایران، که پیشانی مردم ایران علیه رژیم شاه و امپریالیسم جنگیده است، احترام فوق العاده ای قائلیم. شخصیتی چون خسرو روزبه، در میان رزمندگان کمونیست شیلی، نمونه یک کمونیست بزرگ و یک انسان طراز تون است. باید اضافه کنیم که، اخباری که از ایران به ما میرسد، حکایت از این دارد که، امپریالیسم آمریکا قصد دارد با یک سیاست فریاد، تجربه خویش شیلی را در ایران تکرار کند. بنگارید به صراحت بگویم که، آنچه در شیلی سبب سرنگونی آینده شد، سرکوب نکردن ضد انقلاب ایجاد تفرقه و برقراری تودههای مردم به شیوههای گوناگون، و از جمله با استفاده از فعالیت های چپ افراطی بود. ما امیدواریم که با وحدت مردم ایران، تجربه شیلی در کشور شما تکرار نشود.

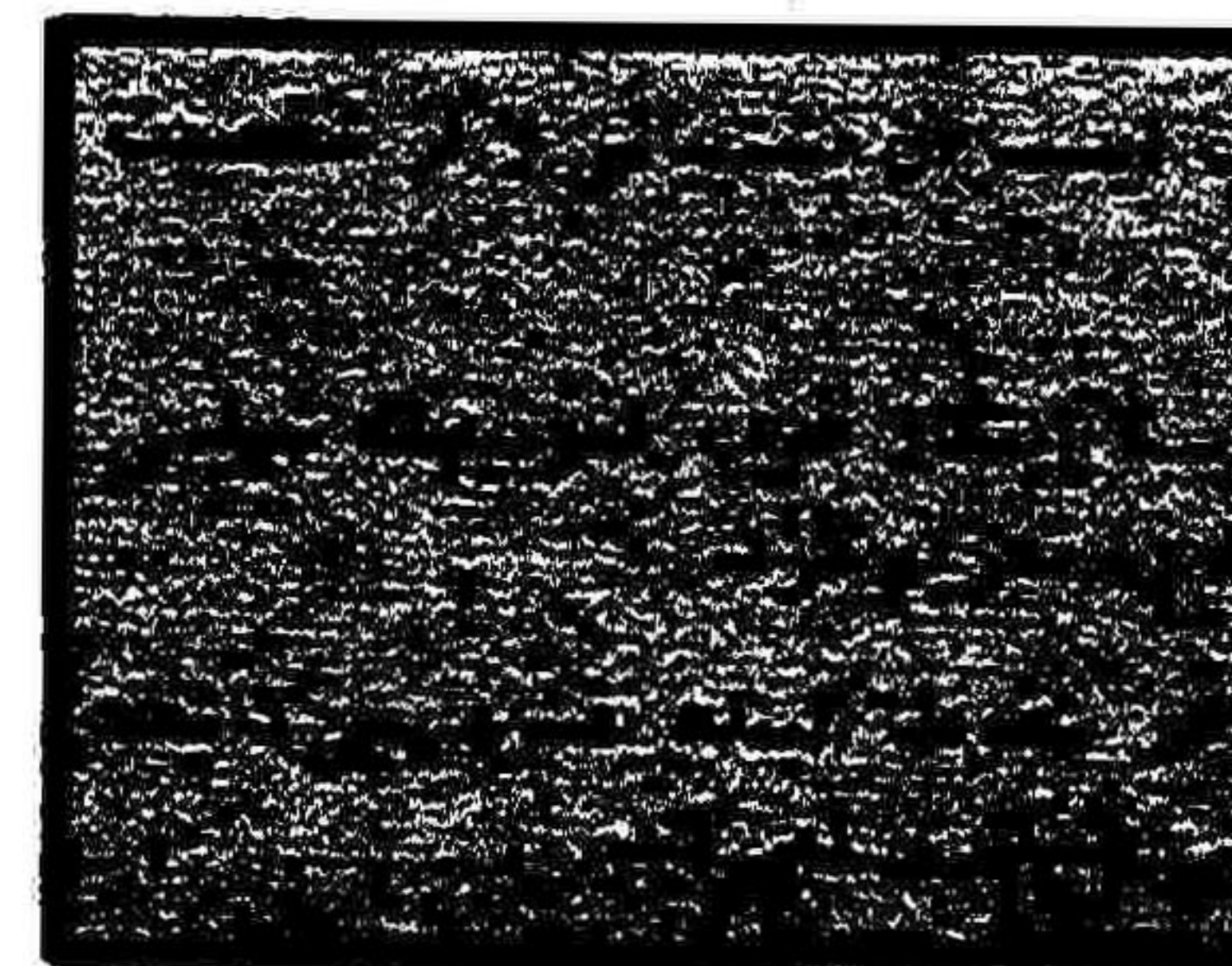
تمام نیرو درصدد تضعیف پایه های مردمی حکومت آئینده بود، از سوئی تطیل کارخانه ها و واداشتن کارگران به انتصاب بود. از سوی دیگر، گروه «میر» با طرح نظریات افراطی، خرده بورژوازی شهر و ده را از آئینده جدا کرد. این گروه با اشغال کارگاه های کوچک در شهر و زمین دهقانان میان حال در روستاها، بنام «کمونیست ها»، اعلام می کرد که باید این کارگاهها و زمین ها ملی شود. عمل آمریکا هم بر اساس همین اعمال، بر توهیات خرده بورژوازی دامن میزدند و آنها را از آئینده «کمونیست» می ترساندند و جدا می کردند. برای مثال در تقارنات معروف کامیونداران، که ضربه نهائی را به آئینده زد، ارتجاع راست تنها بعد از طرح ملی کردن کامیونیا از طرف «میر» توانست این انتصاب را سازمان بدهد.

پرسش: فعالیت حزب کمونیست شیلی چگونه است؟

پاسخ: اساسی ترین فعالیت حزب کمونیست شیلی در حال حاضر گسترش هر چه بیشتر «جبهه وحدت ملی شیلی» است. ما معتقدیم که دوام و گسترش این جبهه هر چه زودتر سبب سرنگونی پینوشه و حکومت وایته او میشود. می دانید که کمونیست های شیلی اولین کسانی بودند که، بعد از کودتای آمریکا علیه آئینده، تحت تعقیب قرار گرفتند. صدها نفر از آنها اسیر شدند، که یا در شکنجه گاهها به قتل رسیدند و یا در حال حاضر در سیاهچال های شیلی زندانی هستند.

پرسش: چه نیروهای در «جبهه وحدت ملی شیلی» شرکت نکرده اند؟

پاسخ: «تپا» گروه «میر» در این جبهه شرکت کرده است. این گروه، که ترکیب درمی از مانو-نیستیا و تروتسکیست است، همچنان به فعالیت های افراطی خود ادامه میدهد و حاضر نشده است در جبهه شرکت کند. البته گروه «میر» هم رفتار خود را جداگانه



در حال حاضر بیشتر از ۴ هزار زندانی در زندان های شیلی اسیر هستند، که اکثر آنها را کمونیست ها تشکیل میدهند. البته از گروه های دیگر هم، مانند سوسیالیست ها و گروه «مپا»، تعداد زیادی در زندان هستند. بعد از کودتای شیلی ۲۵۰۰۰ نفر محبوس شدند که در میان آنها تعداد زیادی کمونیست وجود دارد. رفیق نوبکتور دیاز، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی از جمله این مقنودشدگان است. با وجود همه این ضربات، حزب کمونیست شیلی، که در میان کارگران و زحمتکشان ریشه های استوار دارد، بار دیگر تجدید سازمان یافته و فعالیت وسیعی را آغاز کرده است. حزب اخیرا موفق شده است که روزنامه ال سیگلو (قرن) ارگان مرکزی حزب را، که قبلا ماهی یکبار با

استفاده از تجربه ایران

پرسش: بنظر میرسد که در «جبهه وحدت ملی شیلی»، همه سازمانها و گروهها و احزاب، از حزب کمونیست تا نمایندگان خرده بورژوازی شهر و ده و گروه های مذهبی با هم همکاری دارند؟

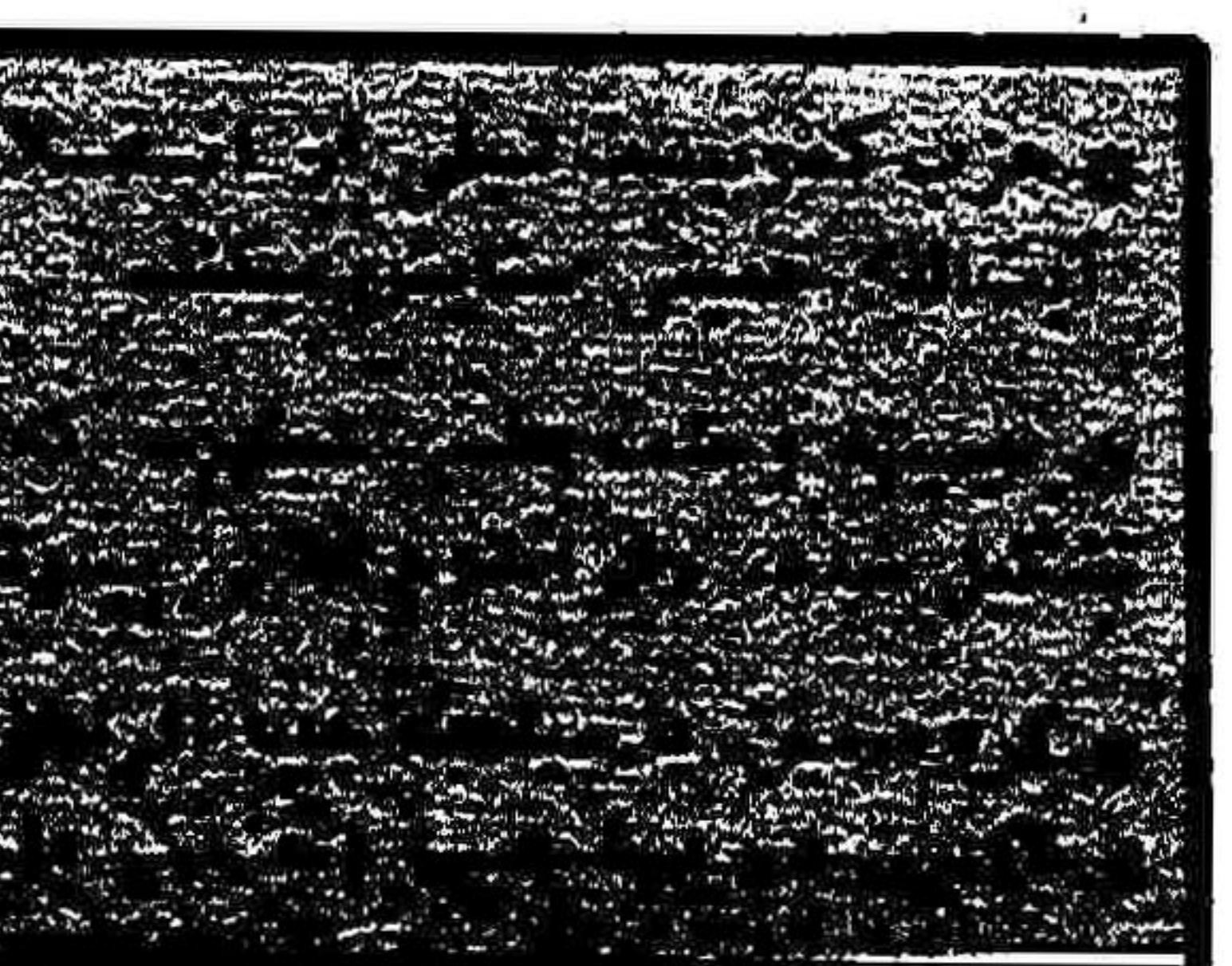
پاسخ: «کاملا درست است. تجربه تاریخ معاصر نشان داده است که تنها با وحدت همه نیروهای خلق - درست مانند ایران شما - میتوان دشمن را از پای درآورد. در این وحدت، ملاحظه حزب کمونیست شیلی ملاحظه سیاسی است، یعنی ما بر اساس یک برنامه مشخص سیاسی، با همه گروه های مبارز، با وجود هر نوع عقیده سیاسی و مذهبی، متحد میشویم.»

پرسش: برنامه حزب کمونیست شیلی، بعد از سرنگونی پینوشه چیست؟

پاسخ: «برنامه بعدی ریشه کن کردن تسلط امپریالیسم آمریکا از خاک مپین ماست، که همچنان به غارت منابع مالی ما و کشتار مبارزان و مردم بیگناه ادامه میدهد.»

پرسش: چه نیروهای در «جبهه وحدت ملی شیلی» شرکت نکرده اند؟

پاسخ: «تپا» گروه «میر» در این جبهه شرکت کرده است. این گروه، که ترکیب درمی از مانو-نیستیا و تروتسکیست است، همچنان به فعالیت های افراطی خود ادامه میدهد و حاضر نشده است در جبهه شرکت کند. البته گروه «میر» هم رفتار خود را جداگانه



تحریم کرده است.»

پرسش: شما گفتید گروه «میر» همچنان به فعالیت های افراطی خود ادامه میدهد، ممکن است توضیح بیشتری دهید.

نقش گروه «میر» در سقوط آئینده

پاسخ: «حزب کمونیست شیلی در اسناد مختلف از نقش گروه افراطی «میر» در سرنگونی آئینده پرده برداشته است. این گروه، در زمان آئینده، در برخی اتحادیه های کارگری نفوذ داشت و با طرح خواسته های افراطی، عملا علیه آئینده فعالیت می کرد. گروه «میر» نه تنها خواهان ملی شدن صنایع بزرگ، بلکه خواستار ملی شدن صنایع و کارگاه های کوچک نیز بود. نتیجه این کار، درست در شرایطی که امپریالیسم آمریکا با

«جبهه وحدت ملی شیلی»، که به ابتکار حزب کمونیست شیلی از نیروهای مخالف رژیم جنایتکار پینوشه تشکیل شده است، همپرسی قلابی دیکتاتور شیلی را تحریم کرد، و طی اعلامیه های متعدد، از مردم شیلی خواست تا با تحریم این رفتارندوم قلابی، که روز ۲۰ شهریور برگزار میشود و هدف از آن قانونیت بخشیدن به حکومت فاشیستی داروسته نظامی پینوشه است، به قتل مردم شیلی جواب دندان شکن بدهند.

رفیق پتریکو تگوریا، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی، که برای شرکت در جشن روزنامه «صدای خلق» ارگان حزب کمونیست اتریش، به وین، پایتخت اتریش، آمده بود، در دیال سخنان بالا، به خبرنگار «نامه مردم» گفت:

«دنیال کودتای آمریکائی پینوشه، حزب کمونیست شیلی فعالیت گسترده ای را برای ایجاد وحدت بین همه نیروهای مخالف دیکتاتوری پینوشه آغاز کرد. در راه ایجاد این وحدت، یکپارچگی مردم ایران، که سبب سرنگونی رژیم شاه شد، عملا به مردم ما نشان داد که تنها راه پیروزی بر دیکتاتوری، اتحاد همه نیروهای خلق است. خوشبختانه فعالیت های حزب کمونیست شیلی، با اینکه صدها تن از اعضای آن در زندان های پینوشه هستند و در شرایط کاملا فاشیستی، مخفیه فعالیت می کنند، بصر رسیده و «جبهه وحدت ملی شیلی» با شرکت سازمان های سیاسی زیر وجود آمد:

۱- حزب سوسیالیست (معتقد به سوسیالیسم علمی)، ۲- حزب رادیکال، که یک حزب نماینده خرده

بورژوازی شهری است، ۳- گروه «مپا» اول؛ این گروه در سال ۱۹۶۸ از حزب سوسیال مسیحی شیلی انتصاب کرد. این یک گروه دهقانی است، که برای تقسیم زمین بین دهقانان شیلی مبارزه می کند و در خرده بورژوازی ده پایگاه دارد.

۴- گروه «مپا» دوم، که آنهم یک گروه دهقانی است و بر پروتاریستی نه تکیه دارد. پیش این دو گروه مذهبی است، ۵- نیروهای چپ دموکرات مسیحی، ۶- حزب کمونیست شیلی.

پرسش: برنامه «جبهه وحدت ملی شیلی» چیست؟

پاسخ: «جبهه می گوشت تا با استفاده از تجربیات انقلاب ایران، همه مردم را علیه پینوشه متحد کند. «جبهه وحدت ملی شیلی» جبهه ای ضد امپریالیسم و ضد دیکتاتوری است. هدف جبهه سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری وایته به امپریالیسم آمریکاست، درست همان چیزی که هدف مرحله اول انقلاب ایران بود. اما در لحظه حاضر که دیکتاتور پینوشه قنارک زرفراندوم قلابی را می بیند، برنامه جبهه افشای این توطئه و متحد کردن تودهها گرد شعار زرفراندوم است. در این تجربه، حزب دموکرات مسیحی، که نماینده بورژوازی متوسط شیلی است و قبل از آئینده، یعنی در سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۰ حکومت را در دست داشت و برای کسب آزادی های بورژوازی مبارزه می کند، با «جبهه وحدت ملی شیلی» همکاری می کند.»

پرسش: برنامه «جبهه وحدت ملی شیلی» چیست؟

پاسخ: «جبهه می گوشت تا با استفاده از تجربیات انقلاب ایران، همه مردم را علیه پینوشه متحد کند. «جبهه وحدت ملی شیلی» جبهه ای ضد امپریالیسم و ضد دیکتاتوری است. هدف جبهه سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری وایته به امپریالیسم آمریکاست، درست همان چیزی که هدف مرحله اول انقلاب ایران بود. اما در لحظه حاضر که دیکتاتور پینوشه قنارک زرفراندوم قلابی را می بیند، برنامه جبهه افشای این توطئه و متحد کردن تودهها گرد شعار زرفراندوم است. در این تجربه، حزب دموکرات مسیحی، که نماینده بورژوازی متوسط شیلی است و قبل از آئینده، یعنی در سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۰ حکومت را در دست داشت و برای کسب آزادی های بورژوازی مبارزه می کند، با «جبهه وحدت ملی شیلی» همکاری می کند.»

مسائل سیاسی را با زور نمیشود حل کرد

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

جمع آوری در عروسی یکی از اعضا حزب توده ایران در شهر کرد ۲۱۵۰۰۰ ریال

کمک مالی از اسفهان ۶۰۰۰۰ ریال

حواداران حزب توده ایران در دماوند ۹۴۰۰۰ ریال

علاقندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام دفتر کمیته و شماره ۳۳۳۲۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قلمی بپردازند.

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

امداد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم بپرسائید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه میرم انقلابی است.

اسلامی ایران مخالف نیستید... بکرات گفته ایم که، کسیکه واقعا انقلابی است، کسیکه حقیقتا در خط امام است، کسیکه در راستای انقلاب شکوهمند ایران به رهبری امام خمینی حرکت میکند، برابر رهنمود های مکرر رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی و دیگر مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی، نباید نظام جمهوری را مشوش کند، جو کشور را متشنج سازد، یا اعمال زور مایع فعالیت مجاز و قانونی احزاب و سازمانها و گروه های سیاسی شود.

احزاب، سازمانها و گروه های کم و بیش یافتند بین اندیشه های سیاسی، آمل و آرزوهای اجتماعی طرقت، آفتاب و گروه های مردم اند. و تاریخ نشاندهنده است که اندیشه های سیاسی، آمل و آرزوهای اجتماعی را با اعمال زور نمیتوان ریشه کن ساخت.

کنده، محل کار و دفتر گروهی را اشغال، خراب یا غارت نمایند.

گرچه اکثریت قریب با اتفاق مردم رزمندگان ایران، انقلابی بودن خود و پشتیبانی جدی از جمهوری اسلامی ایران را در عمل به بارزترین شکلی نشان داده اند، معذالک در هر حال انقلابی بودن را نمیتوان جرم محسوب داشت اما در نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران، ضدانقلابی بودن جرم است، جنایت است، و برابر اصل کلی و مسلم حقوقی باید جرم را به اثبات رساند نه مجرم نبودن را. به عبارت دیگر، به صرف تهمت ضد انقلابی بودن، «مخالف جمهوری اسلامی ایران بودن» نمیتوان از فعالیت یک سازمان، حزب یا گروه سیاسی جلوگیری کرد (محل کار، دفتر یا باشگاه آنرا اشغال نمود) و مدعی گفت: بیاید و ثابت کنید که شما ضدانقلابی نیستید، با جمهوری

اگر انقلابی است، باید بتواند به کمر و کوشش سازنده و فعالیت انقلابی خود به بهترین وجهی ادامه دهد.

اما ماهیت و صلاحیت انقلابی گروهها، سازمانها و احزاب سیاسی را نمیتوان با نظر اشخاص مختلف تعیین کرد. برای امن کار موازین قانونی لازم است تا از گمان های مشوش مملکتی (و نه «اشخاص متفرقه») بهرراه رهبران و مسئولان گروهها و سازمانها و احزاب بنشینند و بررسی کنند، بر پایه این موازین قانونی قضاوت نمایند، حکم بدهند و اجرا کنند، و این رسیدگی تازه در صورتیست که ماهیت ضدانقلابی و لذا عدم صلاحیت قانونی گروه یا سازمان و یا حزب سیاسی از جانب شخص واقعی یا حقوقی، یا مدارک و اسناد لازم رسماً مطرح و ثابت شود. نهایتاً کسی، درجانی، سخنی بگوید، عمده ای را تحریک و تحریص

در جمهوری اسلامی ایران کسی منکر این حقیقت نیست که فعالیت قانونی، آزاد و بلا مضع سترامها، احزاب و گروه های تکیه به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وفادارند و در چارچوب قانون اساسی عمل می کنند. باید تأمین و تضمین شود، چون این قسط به نفع انقلاب، به خیر جمهوری اسلامی ایران، بسود آزادی، استقلال، ترقی و پیروزی کشور و مردم است.

تفاوت بینشها و برخوردها در این مورد، بحثها و گفتگوها (البته، سالم و برپیشداری های مفرضه در نظر است) میتواند پیرامون ماهیت انقلابی گروهها و احزاب سازمانهای سیاسی روزند، که این امریست انقلابی. اگر حزبی، سازمانی، گروهی و فردی ضدانقلابی است، در نظام جمهوری اسلامی ایران نمیتواند و نباید از امکان فعالیت آزاد ضد انقلابی برخوردار باشد و یکس،

مرگ پر امپریالیسم جهانخواه امریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

ياسر عرفات: مابه‌مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی ارج می‌نهم

یوسر: آیا نفوذ اتحاد شوروی به سازمان آزادی‌بخش فلسطین افزایش یافته است؟ پاسخ: بنظر ما اتحاد شوروی نیروی است که به مردم فلسطین برای بازیابی حقوقشان کمک میکند. بدیهی است که مردم ما از اظهاریه‌های مثبت دولت شوروی شادمان میشوند. از سوی دیگر، مردم ما می‌بینند که اسرائیل همه‌گونه

دولت جدید... بقیه از صفحه ۱ «آقایان قوام کتبه ولی این منازعات و مشاجرات است که بالا می‌گیرد و قوام دورتر می‌رود و دست‌نیافتنی‌تر می‌شود. کفاسی است به عکس‌العمل محافل امپریالیستی نسبت به علنی شدن و شدت یافتن این مشاجرات لفظی و قلمی توجه کنیم و به‌یادماندنی با چه شادی و امیدواری باین رویارویی نامتناسب با نیاز انقلاب، برخورد می‌کنند، تا به آسانی درک کنیم که ادامه این وضع چندر بزیان انقلاب و جمهوری اسلامی تمام می‌شود.

تقاه، یک تقاهم جدی بر اصولی بین‌دستاند کاران حکومت بر سر مواضع و برنامه‌های انقلابی و دولتی مبرم است. تقاه، یک تقاهم وسیع و سراسری، اصولی و مستحکمین کلیه نیروهای راستین انقلابی، صاحب عقاید و نظرات مختلف بر سر برنامه‌های روشن و دقیق بخاطر دفاع از جمهوری اسلامی ایران، سرکوب ضدانقلاب، سازندگی کشور، پیشرفت سالم و مستقل جامعه و خدمت به میلیون‌ها ایرانی زحمتکش و محروم دارای اهمیت حیاتی است.

در این نخستین روزیکه کلیه نهادها مستقر شده و باید مرحله تازه‌ای آغاز شود، به تقاهم اصولی، به وحدت انقلابی توجه کنیم. تقاهم را بدرقه راه دولت جدید سازیم، با این امید که برنامه

این امر مشترک رئیس جمهور و نخست‌وزیر، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، قوه مقننه و قوه قضائیه و اجرائیه باید بشود.

این امر مشترک همه کسانی باشد که صادقانه بمرسروشت انقلاب می‌اندیشند و قدرت‌تمیز آنچه را که عمده است مرسروشت انقلاب و رهائی آنان از چنگال توطئه‌های امپریالیسم - دارا هستند.

این امر مشترک همه کسانی باید باشد که بالاتر و بالاتر از منافع خصوصی و افراض شخصی و مصالح گروهی می‌اندیشند و با تمام قلب و اندیشه خود نگران «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» هستند.

تائید دولت جدید، نخستین دولت رسمی جمهوری اسلامی ایران را در مجلس، می‌بایستی برای این تقاهم سراسری انقلابی و این وحدت ضرور و حیاتی بدل سازیم.

حزب توده ایران در ادامه می‌شود و انقلابی خود، سهم خویش را در این راه ادا خواهد کرد.

سخنان سفیر سابق... بقیه از صفحه ۱

تخواهد کرد. آمریکا گروگانها را می‌خواهد.

اینجا خطوط اصلی آن می‌باشند. است که دستهای خونین امپریالیسم آمریکا را در آب توبه می‌شوید، «ماهیت» آن را تغییر یافته اعلام می‌کنند. تهاجمات فبلی آمریکا و تهاجمات بعدی آن را با خطرات نجات گروگانهای جاسوس می‌دانند، و باین ترتیب نه تنها آمریکا را تیر می‌کنند، بلکه گناه تهاجم نظامی آمریکا را به گردن ایران می‌اندازد. این می‌بایست که از جانب محافل میهن‌پسندانه دنبال می‌شود ماهیت چنانکارانه آمریکا را که همانا سرشت امپریالیسم یعنی سیاست انحصارات بزرگ نظامی مالی، صنعتی و... است. لایوشانی می‌کند و هدف آن را نه آزاد شدن دوباره دستهای این انحصارات برای غارت و جنایت در مین ما، بلکه در هدف «بتر دوستانه» آزاد کردن گروگانها تبلیغ می‌کند.

امپریالیسم خونخوار آمریکا همین سیاست راه که از مسیر تجویز شده، پیشرفته در جهان تبلیغ می‌کند تا برای تهاجم نظامی به ایران بپنه داشته باشد.

آمریکا که در واقع ایران را می‌خواهد، فریاد می‌زند که گروگانها را می‌خواهد. آمریکا و ایادی‌اش در در طیس هوای نظامی پیاده می‌کنند، اگر توطئه کودتای ۱۸ تیر را سازمان می‌دهد، اگر از نقاط زیر نفوذ خود مرزهای ایران را محاصره می‌کنند، اگر بنادر عمان و سومالی را از نیروهای ضربتی پر می‌کنند و اگر دست به حدها می‌زنند...

رویکرد دیگر این «استقلال» اینست که آمریکا وقتی گروگانها در ایران نداشت، دست به این قبیل اعمال نمی‌زد! درست همین‌جاست که سفیر

چهره‌های رنگارنگ

بقیه از صفحه ۱

اسلامی ایران و خطاب به اقتدار مختلف، از طرف آنها صادر می‌شود. ضدانقلابیون گام مستقیما به رهبر انقلاب حمله می‌کنند، گام به حزب توده ایران به‌مناسبت حامی راستین انقلاب، لجن‌پراکنی می‌کنند، گام بخینال خود مردم را می‌نوازند و از آنها می‌خواهند که علیه رهبر انقلاب، و در حقیقت انقلاب، بپایزنند و گام نیز با تهدید، مردم را به مشوروش علیه انقلاب فرامی‌خوانند.

این عوامل وابسته، که به رهبری امپریالیسم آمریکا بارها و بارها نقش مبارزه با نهضت‌های مترقی و انقلابیون راستین را ترنیم کرده‌اند، در سلسله آئینده را کشته‌اند، در اندوختی صدها هزار نفر را کشتار کرده‌اند، در ایران کودتای ۲۸ مرداد را راه انداخته‌اند، ویتنام را به خاک و خون کشیده‌اند و... اینک با همان سلاح‌ها وارد عرصه کارزار شده‌اند: یک روز در بوشهر، در حالی که در یکسوی شسر اسلحه قاچاق پخش می‌شود، از جانب ارتش به اصطلاح رهائی‌بخش ایران از «ارمن پرستان» خواسته می‌شود که مشکل شوند؛ روز بعد، در حالی که عده‌ای زیر عنوان «حزب الهی» به دفاتر حزب و سازمانهای وقادار به انقلاب و از جمله و بویژه حزب توده ایران حمله می‌کنند، «سازمان مرگ» در حوالی یازک وی ده‌ها اعلامیه علیه روحانیت مبارز ایران پخش می‌کند، در همین لحظات در خشان صدق، حدود ۱۰۰۰ نامه پخش می‌شود که محتوی عکس شاه سابق، سگ زنجیری

سابق آمریکا در ایران، یعنی کیکه به نمایندگی از انحصارات آمریکائی، هدایت کننده رژیم شاه بوده این تبلیغات رسوا را رسواتر می‌کند.

سولویان در مقاله‌ای که در روزنامه واشنگتن استار چاپ شد، می‌نویسد: «در خلال روزهای قبل از انقلاب ایران پرژنیسکی طی یک مکالمه تلفنی از وی سؤال کرده بود که آیا می‌تواند ترتیب یک کودتای نظامی را در ایران بدهد»

(جمهوری اسلامی ۱۸ شهریور ۵۹) سولویان همچنین در مقاله‌ای در مجله روابط خارجی آمریکا تاکید می‌کند: «پرژنیسکی از وی خواسته بود توسط یک کودتای نظامی از انقلاب اسلامی ایران جلوگیری کند»

(صدای آمریکا ۱۵ شهریور ۵۹) اگر مکالمه تلفنی پرژنیسکی با سولویان برای تدارک یک کودتای نظامی در روزهای قبل از پیروزی انقلاب، یعنی بیمن ماه ۱۳۵۷ انجام شده باشد چون در سخنان سولویان به روزهای قبل از انقلاب اشاره شده است روشن می‌شود که نزدیک به یک سال قبل از اشغال لانه جاسوسی ۱۳ آبان ۱۳۵۸ - در حالیکه هنوز نه تنها فکر گروگان گیری وجود نداشت بلکه محافل میهنی لانه جاسوسی را از اشغال اول توسط مردم نجات می‌دادند، امپریالیسم آمریکا در فکر کودتای نظامی در ایران بود!

سخنان سولویان بار دیگر به روشنی نشان می‌دهد که آمریکا قصد نجات جاسوس‌های گروگان خود را ندارد. امپریالیسم آمریکا، در کودتای نظامی که در آستانه پیروزی انقلاب تدارک می‌دید، بعد از پیروزی انقلاب تدارک دید و هنوز تدارک می‌بیند تنها یک قصد دارد: پلر دیگر همه مردم ایران راه گروگان انحصارات خود در آورد و به غارت کشورها ادامه دهد.

سخنان سولویان نشان می‌دهد که ساله گروگانها تنها و تنها یک بهانه است. آمریکا ایران را می‌خواهد، نه گروگانها را.

حجت الاسلام موسوی خوینی‌ها: امریکا گروگانها را بهانه کرده تا سلطه سابقش را بر ایران برقرار کند

آمریکاست، و فردای آن روز در سطح کارخانجات پارسی-الکترونیک، کارت‌های شاپور بختیار، با پرچم ایران و شعار جویو ایران در دست آمریکا نباشد، تن تریاکی من می‌باشد، پیش می‌شود، همزمان با این اعمال سازمان سیاسی ساخته ای بنام «قاپیه» که «ایرانی دیندار» است، از هر ایرانی اصیل (!) می‌خواهد که دست یاری خود را به سوی شاپور بختیار، این عروسک تریاکسی امپریالیسم، دراز کند.

این جبهه که عموما «ایرانیان دیندار»، از نوع بختیار و نریه، در آن عضویت دارند، گام نیز که از کشیدن دست فتوازش، بر سر ایرانیان خسته می‌شود، زیر اسم «گروه توحیدی دینی» پردازد و آنها را به مساجد و بشارت می‌دهد، و درست همانگونه که در شبلی عمل شده، با ترساندن اقتدار متوسط، آنها را در حقیقت به صف مقابل انقلاب هل می‌دهد.

این گروه ضدانقلابی، زیر نام «اسلام» به بازاریان می‌گوید که اگر کالاهای خود را از ایران نکشید، نمازتان را به آتش می‌کشید، و زیر همین عنوان، غلات روستائیان را می‌خرد، تا در بازار کبود بوجود آید و در نتیجه هم بازاری ناراضی شود، هم خریدار.

در همان حال که مردم را تهدید به مرگ می‌کنند، آتم زیر اسم «گروه پیشتازان اسلام»، در داخل ایلات ایران دست به تحریک و توطئه می‌زنند و تطفه‌های به اصطلاح مقاومت علیه انقلاب ایران را شکل می‌دهند. این انگلیهای ضد بشر برای رامیابی به خانه‌های ایرانیان از

دهقانان مینویسند:

روزنامه محترم نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، ما اهالی روستای قانود و دولت ایاده، پیرض می‌رسانیم. آب چشمه معروف به چشمه کلین‌دانی، متعلق و مختص به قریه قانود و دولت ایاد از محال سنجد خلخال می‌باشد و از سال ۱۳۱۷ شمسی برابر سند رسمی و پرونده ثبتی، زارعین قراء می‌زور از آب چشمه جهت آبیاری مزارع و نیز برای استفاده احشام مصرف می‌کردیم. از سال ۱۳۵۲ رئیس آبیاری، که هنوز هم در مقام خودش باقی است و از قنودالهای شیرج آباد بوده، یازدهم تریز کرده و به بهانه اینکه این چشمه رودخانه است و تمام روستاها باید استفاده کنند، بزور توسط ماموران طاغوت آب بسج شیرج آباد می‌برد و از آنها رشوت می‌گرفت. ما به این عمل اعتراض نکرده و شکایتی به مقامات ذیصلاح دادیم که نتیجه‌ای نگرفتیم. بوسیله همین شخص ۱۱ نفر از اهالی قانود و دولت ایاد بدست ۲ ماهه در زندانهای هرآباد و اردبیل یازداشت شدند.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهند ما، که انقلاب مستضعفین علیه مستکبرین است و تمام زحمتکشان انتظار دارند که تمام آثار دوران طاغوت ازین برود، متأسفانه بازم این شخص قنودال دست به اقدامات گذشته خود زده و می‌خواهد یازور آب این چشمه را از دست ما بگیرد و اگر این مستکبر بتواند به این کارش جامه عمل بپوشاند، این ده روستا، که ۱۳۰ خانوار است، تمام مزارع و حتی احشام خود را از دست خواهند داد و در نتیجه مجبور خواهند شد از ده کوچ کرده و روانه شهرها شوند. بعد از انقلاب چندین

مرتب به مقامات ذیصلاح شکایت نموده، ولی بعلت نفوذ این قنودال به این خواست برحق ما ترتیب اثری داده نشده است. از آن روزنامه محترم، که ارگان تمام زحمتکشان می‌باشد و سالهاست که برای احقاق حقوق زحمتکشان مبارزه کرده و مبارزه می‌کند، انتظار داریم که این موضوع در روزنامه مردم درج شود و از مقامات مسئول هم می‌خواهیم که به این موضوع، که یک امر حیاتی است رسیدگی جدی نمایند.

با تقدیم احترام اهالی روستای قانود و دولت ایاده

این نامه به امضای اعضای شورای ده و نمایندگان دهقانان رسیدماست. نامه مردم - طبعی است که که انقلاب شکوهند ما نمی‌تواند اهداف خلقی و مردمی خود را بدست همان افرادی که عوامل اصلی اجرای سیاست‌های ضد مردمی حکومتکشان پهلوی بوده‌اند، تحقق بخشد و همانگونه که ما در ضمنی در سخنان خود تاکید کرده‌اند و ما نیز بارها در امر پاکسازی افراد ناصالح در ادارات دولتی تکرار کرده‌ایم، باید و وابستگی به رژیم و وابسته و استعمارگرانه شاه سابق پاک شوند. هدایت کشتی انقلاب باید بدست انقلابیون صدیق و راستین انجام گیرد، و گرنه توده‌های زحمتکشان نسبت به انقلاب بدبین و مایوس خواهند شد، که این خود یک خطر جدی برای مرسروشت انقلاب است.

رسیدگی به خواست دهقانان زحمتکش قانود و دولت ایاد وظیفه مقامات مسئول و متعهد است. دست عوامل سودجو و مجربین سیاست ضدعقلمانی رژیم شاه سابق را از جان و زندگی روستائیان کوتاه کنید.

حجت الاسلام موسوی خوینی‌ها در گفت و شنود تلفنی روزنامه اطلاعات، به مسوالات مردم پاسخ داد.

حجت الاسلام خوینی‌ها در پاسخ یک سؤال گفت: «باید بدانید که آمریکامانها یک عنصری تجاوزگر است که این ماهیتش که باید دستش را قطع کنیم». حجت الاسلام خوینی‌ها افزود:

بر وسیله‌ای استفاده می‌کنند: پشت خانه‌ها اعلامیه می‌اندازند، کارت تبریک «شاهنشاهی» برای مردم می‌فرستند، نوارهای ایران همراه با سخنرانی شاپور تریاک را پخش می‌کنند و اخیرا هم کافذهای بزرگی شامل جملات ضدانقلابی، به خشکسورها می‌دهند، تا بیاس‌های مردم را در در دل دوست (آمریکا) ببر حیله رهی باید جست!

حزب توده ایران با اقتضای این توطئه از مسئولین کشور می‌خواهد تا با همه امکانات خود، ضدانقلابیون را اقتضای و طرد کنند. همچنین از همه مردم می‌بین - دوست و انقلابی، لظ اعضا و هواداران حزب توده ایران طلب می‌کند که توطئه‌های تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران را با همه نیرو اقتضای کنند.

تصحیح

در مقاله بناسبت شصتین سالگرد پایه‌گذاری حزب کمونیست ترکیه (نامه مردم، شماره ۳۲۹) نام نخستین صدر حزب کمونیست ترکیه، مصطفی صوفی ذکر شده، که اشتباه است. صحیح آن مصطفی صبحی است.

تصحیح

در مقاله بناسبت شصتین سالگرد پایه‌گذاری حزب کمونیست ترکیه (نامه مردم، شماره ۳۲۹) نام نخستین صدر حزب کمونیست ترکیه، مصطفی صوفی ذکر شده، که اشتباه است. صحیح آن مصطفی صبحی است.

در مقاله بناسبت شصتین سالگرد پایه‌گذاری حزب کمونیست ترکیه (نامه مردم، شماره ۳۲۹) نام نخستین صدر حزب کمونیست ترکیه، مصطفی صوفی ذکر شده، که اشتباه است. صحیح آن مصطفی صبحی است.

تصحیح

در مقاله بناسبت شصتین سالگرد پایه‌گذاری حزب کمونیست ترکیه (نامه مردم، شماره ۳۲۹) نام نخستین صدر حزب کمونیست ترکیه، مصطفی صوفی ذکر شده، که اشتباه است. صحیح آن مصطفی صبحی است.

تصحیح

در مقاله بناسبت شصتین سالگرد پایه‌گذاری حزب کمونیست ترکیه (نامه مردم، شماره ۳۲۹) نام نخستین صدر حزب کمونیست ترکیه، مصطفی صوفی ذکر شده، که اشتباه است. صحیح آن مصطفی صبحی است.

تصحیح

در مقاله بناسبت شصتین سالگرد پایه‌گذاری حزب کمونیست ترکیه (نامه مردم، شماره ۳۲۹) نام نخستین صدر حزب کمونیست ترکیه، مصطفی صوفی ذکر شده، که اشتباه است. صحیح آن مصطفی صبحی است.

تصحیح

در مقاله بناسبت شصتین سالگرد پایه‌گذاری حزب کمونیست ترکیه (نامه مردم، شماره ۳۲۹) نام نخستین صدر حزب کمونیست ترکیه، مصطفی صوفی ذکر شده، که اشتباه است. صحیح آن مصطفی صبحی است.

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است